

آیین زندگی

(اخلاق کاربردی)

منبع اصلی:

آیین زندگی (اخلاق کاربردی)

اثر:

احمد حسین شریفی

انسان از آغاز تا پایان زندگی خویش به طور فطری به ارزش‌های اخلاقی گرایش دارد و شخصیت وی پیوسته با معیار فضایل و رذایل اخلاقی، محک می‌خورد و هر کس در این سنجش به امتیاز بالاتری دست یابد در خاطر مردمان و نزد خدای خود، جایگاهی رفیع و ارزشمند خواهد داشت.

آیین زندگی (اخلاق کاربردی) به عنوان یک رشته علمی در دوران اخیر، مورد توجه جدی اندیشمندان اخلاقی مغرب زمین نیز قرار گرفته است تا جایی که آثار بسیار متعدد و متنوعی را در حوزه‌های مختلف اخلاق کاربردی پدید آورده اند.

در این درس، کوشش شده است تا، با تکیه بر آیات و روایات، مهمترین مسائل اخلاقی مورد نیاز جوانان، به ویژه دانشجویان در قالبی نو عرضه شود.

به طور کلی فصولی که در این درس به آنها پرداخته می‌شود عبارتند از:

فصل اول: تعریف و جایگاه اخلاقی کاربردی

فصل دوم: اخلاق دانشجویی

فصل سوم: اخلاق پژوهش

فصل چهارم: اخلاق نقد (شیوه‌های اخلاقی مواجهه با اندیشه‌ها)

فصل پنجم: اخلاق معیشت

فصل ششم: اخلاق معاشرت

فصل هفتم: اخلاق جنسی

فصل هشتم: اخلاق سیاست

فصل نهم: اخلاق گفتگو

فصل اول

"معناشناسی و جایگاه اخلاق کاربردی"

۱- معنا شناسی اخلاق و علم اخلاق

واژه اخلاق در لغت به معنای سرشت و سجه به کار می روند؛ اعم از سجایای نیکو و پسندیده یا سجایای زشت و ناپسند. (مراجعه به کتابهای لغت از قبیل: لغت نامه دهخدا و نیز تاج العروس شود)

رایج ترین معنای اصطلاحی اخلاق:

"صفات و ویژگیهای پایدار در نفس که موجب می شوند کارهایی متناسب با آن صفات، به طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل، از انسان صادر شود." (مراجعه به محجه البیضاء، محسن فیض کاشانی، تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۵، ص ۹۵ شود.)

اخلاق از یک لحاظ به دو قسم تقسیم می شود:

- ۱- اخلاق فضیلت؛ که مبتنی بر کارهای پسندیده است.
- ۲- اخلاق رذیلت؛ که مبتنی بر کارهای ناپسند است.

تعریف علم اخلاق با تکیه بر علم: "علمی است به آن که نفس انسان چگونه خلقی اکتساب تواند کرد..."

(اخلاق ناصری، خواجه نصیرالدین طوسی، ص ۱۴)

تعریف علم اخلاق با تکیه بر عمل: "علم اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی بدان گونه که باید باشد."

تعریف جامع: "علم اخلاق علمی است که ضمن معرفی و شناساندن انواع خویها و بدیها، راههای کسب خویها و رفع و دفع بدیها را به ما تعلیم می دهد." (فلسفه اخلاق، محمد تقی مصباح یزدی)

۲- انواع پژوهشهای اخلاقی

امروزه پژوهشهای تحقیقات علمی درباره اخلاق در سه حوزه صورت پذیرفته:

- ۱- اخلاق توصیفی
- ۲- اخلاق هنجاری
- ۳- فرا اخلاقی

۱- اخلاق توصیفی:

- در این نوع از پژوهشها به توصیف و معرفی اخلاقیات افراد، گروهها و جوامع مختلف از سوی جامعه شناسان، مردم شناسان و مورخان پرداخته می شود.
- **هدف در این نوع پژوهش:** تنها آشنایی بانوع رفتار اخلاقی فرد یا جامعه ای خاص است.
- روش در اخلاق توصیفی: تجربی و تاریخی است.

۲- اخلاق هنجاری (اخلاق دستوری):

- در اخلاق هنجاری به بررسی افعال اختیاری انسان از حیث خوبی یا بدی و بایستگی و نبایستگی می پردازد.
- موضوع بحث در این نوع پژوهش، افعال اختیاری انسان است.
- روش در این نوع پژوهش، استدلالی و عقلی است نه تجربی و تاریخی.

۳- فرا اخلاق:

- فرا اخلاق به بررسی تحلیل و فلسفی درباره مفاهیم و احکام اخلاقی می پردازد.
 - موضوع این نوع پژوهش، مفاهیم و جملاتی است که در اخلاق هنجاری مورد بحث قرار می گیرند.
 - وظیفه اصلی در این نوع پژوهش، بررسی معنای خوب و بد و تحلیل گزاره های مورد بحث از قبیل: "سقط جنین خوب است، یا سقط جنین بد است."
- می باشد.

۴- اخلاق کاربردی:

- اخلاق کاربردی در حقیقت زیر مجموعه اخلاق هنجاری است به تعبیر دیگر، اخلاق کاربردی همان اخلاق هنجاری است.
- اخلاق کاربردی درصدد آن است که کاربرد و اعمال منظم و منطقی نظریه اخلاقی را در حوزه مسائل اخلاقی خاصی نشان دهد.
- اخلاق کاربردی شامل اخلاق حرفه ای نیز می شود.
- منظور از اخلاق حرفه ای، تأمل درباره ابعاد اخلاقی مسائل و موضوعاتی است که به مشاغل خاصی مربوط می شود؛ مانند: اخلاق پزشکی، اخلاق تجارت، اخلاق روزنامه نگاری و ...

۱-۲- اهمیت و جایگاه اخلاق کاربردی:

- علم اخلاق یکی از ضروری ترین علوم برای انسان است
- امام کاظم (ع) فرمودند: لازم ترین دانش برای تو، دانشی است که تو را به صلاح قلبیت راهنمایی کند و فساد آن را برایت آشکار سازد.
- هدف اصلی رسالت انبیاء؛ پرورش اخلاقی مردمان و تزکیه و تهذیب جانهای آنان بوده است.
- مشکل عمده افراد چگونه قابل حل است؟
- راه حل مشکل = شناخت بیماری (مفسده اخلاقی) + راه علاج + تصمیم اخلاقی
- مشکل عمده بسیاری از افراد این است که:
- اولاً:** راه انجام وظایف اخلاقی و نحوه اعمال احکام اخلاقی را به درستی نمی توانند تشخیص دهند.
- ثانیاً:** در بزنگاه نمی توانند تصمیم اخلاقی درستی را اتخاذ نمایند.
- رسالت عمده اخلاق کاربردی چیست؟
- تحلیل و بررسی ریشه ای و بنیادین فضایل و رذایل اخلاق و راه تشخیص تکالیف اخلاقی و شیوه تحقق آنها در حوزه های خاصی می پردازد.

فصل دوم

"اخلاق دانشجویی"

۱- اهمیت و ضرورت

- اهمیت علم و علم آموزی، از دیدگاه اسلام، به قدری واضح است که نیازی به توضیح ندارد.
- نخستین آیاتی که بر پیامبر اکرم نازل شد، بهترین دلیل بر جایگاه ویژه تعلیم و تعلیم در اسلام است: "اقرأ باسم ربك الذي خلق..."
- "بخوان به نام پروردگارت که جهان را آفرید. همان کس که انسان را از خون بسته ای خلق کرد. بخوان که پروردگارت از همه بزرگوارتر است، همان کسی که به وسیله قلم تعلم داد، و به انسان آنچه را نمی دانست یاد داد."
- ضرورت تحصیل علم از دیدگاه اسلام، ضرورتی مطلق است. یعنی نه قید افرادی دارد، نه قید زمانی، نه قید مکانی و نه هیچ قید و محدودیت دیگری.
- آیا تحصیل علم، مطلوبیت ذاتی دارد؟
- تحصیل علم، مطلوب ذاتی نیست. یعنی به صرف عالم شدن و تحصیل علم، سعادت حقیقی انسان تأمین نمی شود. چه فراوان بوده اند اندیشمندانی که علم را در جهت توسعه فساد به کار گرفته اند.

۲- دانش اندوزی و پارسایی

- پارسایی چه نقشی در تعلیم و تحصیل معرفت و دانش حقیقی دارد؟
- بی تردید متون دینی، همه انسان ها حتی کافران و فاسقان را به دانش اندوزی و پیروی از دانش و پرهیز از پیروی گمان دعوت کرده و به تعقل و تدبیر فرا خوانده اند.
- پارسایی در کنار خردورزی و دانش اندوزی به معنای ناتوانی بی تقوایان از درک و اقامه براهین عقلی نیست؛ بلکه مراد آن است که با بازگرداندن روح سرشت آدمی به حالت پاکی و صداقت نخستین و فطری اش، فراگیری و پذیرش حقایق را برای او تسهیل می کند.
- تقوا سبب می شود فطرت انسان به پاکی و زلال نخستین خود باز گردد.

۳- موانع دست یابی به علم حقیقی

- ذهن آدمی، گاه در اثر چینش نادرست مقدمات یا کوتاهی در انتخاب مواد یقین آور برای استدلال، دچار خطا می شود و گاه در اثر مشکلات اخلاقی و آلودگیهای نفسانی از درک درست حقایق، ناتوان می گردد.

۲-۱- پیروی از حدس و گمان

یکی از لغزشگاه های فهم و اندیشه درست آن است که انسان به جای پیروی از یقین، به گمان و حدس، بسنده کند.

۲-۲- تقلید کورکورانه

متأسفانه یکی دیگر از موانع تحصیل علم واقعی و داشتن اندیشه درست، سپردن مهار تفکر به دست دیگران است. به تعبیر مولوی:

که به طن تقلید واستدلالتشان قایمست و جمله پرو بالشان

"در این راستا مراجعه شود به سوره بقره آیه ۱۷۰ و احزاب آیه ۶۷"

۲-۳- شتاب زدگی

انسان، گاه در داوریهای علمی و عقلانی خود شتاب می کند؛ و به صرف فراهم آمدن اطلاعاتی اندک درباره یک موضوع، به نتیجه گیری می پردازد. قرآن کریم در تقبیح شتاب زدگی می فرماید:

"وبعد الانسان بالشر دعاء بالخیر و کان الانسان عجولاً" (اسرا/۱۱)

و انسان بر اثر شتاب زدگی، بدی را طلب می کند و آن گونه که نیکی ها را طلب می کند و انسان، همیشه عجول بوده است.

امام علی (ع): از شتاب زدگی بپرهیز؛ زیرا شتاب زدگی در کارها موجب می شود که انسان به هدف نرسد و کارش مورد ستایش نباشد.

۲-۴- تمایلات نفسانی

هدف از تحصیل علم = رسیدن به حقیقت به میزان توان.
مانع از رسیدن به حقیقت = نشستن گرد و غبار گرایشهای نفسانی بر چهره دیدگان اندیشه.

عوامل انحراف تفکر:

- ۱- حب
- ۲- بغض
- ۳- جهت گیریهای تعصب آمیز
- ۴- عجب و خودبزرگ بینی

۴- آداب اخلاقی آموختن**۴- ۱- انگیزه الهی (اخلاص)**

پیامبر اکرم (ص) در حدیث مشهوری فرمودند:

"من اخلص لله اربعين صباحاً جرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه."

هر کس خوند را چهل روز برای خدا خالص کند، چشمه های حکمت از قلب او بر زبانش جاری خواهد شد.

- ماهیت هر عملی با توجه به نیتی که فرد در انجام آن داشته است، مشخص می شود.

- در اسلام برای ارزش گذاری اخلاقی یک کار، وجود دو عنصر، ضروری است:

۱- حسن فعلی = خوب بودن کار

۲- حسن فاعلی = نیت خوب داشتن در انجام کار

- کار اخلاقی و ارزشمند از دیدگاه اسلام کاری است که صرفاً برای رضایت خداوند انجام گرفته باشد.

مراتب رضایت الهی:

۱- بهره مندی از نعمت های الهی

۲- رهایی از عذاب الهی

۳- خشنودی خداوند نه چیز دیگر.

۴- ۲- انتخاب استاد شایسته

وز سخن دانان سخن آموختن

مدتی می باید لب دوختن

ور بگوید، حشو گوید بی شکی

تا نیاموزد نگوید صد یکی

- تأثیر استاد و نوع ارزشها و نگرشها و جهان بینی او در شاگردان، جای هیچ تردیدی ندارد.

استاد شایسته کیست؟ کسی است که:

۱- از تکبر به تواضع دعوت می کند.

۲- از حيله گری به خیرخواهی فرا می خواند.

۳- از جهل به علم می کشاند.

۴- ۳- رعایت اولویتها

مهمترین وظیفه دانشجویان تحصیل علوم نافع به حال جامعه است.

۴-۴- خوب گوش دادن

امام علی (ع): زمانی که نزد دانشمندی نشستی، پس بر شنیدن نسبت به گفتن حریص تر باشد و خوب گوش دادن را بیاموز.

۴-۵- پرسش و پرسش گری چه اهمیتی دارد؟

- پرسش و پرسش گری اگر به منظور کشف حقیقت و فهم واقعیت باشد، از فضایل اخلاقی به حساب می آید.
- پیامبر اکرم (ص) پرسش را به عنوان کلید خزاین و گنجینه های دانش معرفی کرده اند.
- امام صادق (ع): پرهیز از سؤال موجب هلاکت یک قوم است.
- آیا پرسش و پرسش گری دارای ارزش ذاتی است؟
- خیر تنها دارای ارزش است که به منظور کشف حقیقت باشد.
- علی (ع): برای دانستن پرس نه برای آزار دادن.
- (نهج البلاغه، ترجمع شهیدی، حکمت ۳۲۰، ص ۴۱۹)

۴-۶- ضبط و نگارش مطالب

اما صادق (ع): دانش را بنگارید، چرا که شما بدون نگارش نمی توانید آن را حفظ کنید.

۴-۷- تواضع در برابر استاد

- سعی ناکرده در این ره به جایی نرسی مزد اگر دمی طلبی طاعت استاد بپر
- امام زین العابدین (ع): حق کسی که به علم می آموزد این است که او را بزرگ بداری و احترام مجلسش را بداری.
- چرا اسلام عزیز برای معلم و استاد احترام و ارزش والایی قائل است؟
- به نظر می رسد مهمترین علت آن، ارزشمندی خود علم است.

۵- خودشناسی

خودشناسی مقدم بر همه دانشهاست؛ زیرا برای انسان خسران بزرگی است که جوهر مسائل بیرونی را بداند و دائماً به مطالعه و آزمایش پردازد اما از سیر نفسی و اندیشه در امور درونی خود غافل باشد.

فصل سوم

(اخلاق پژوهش)

۱- اهمیت و جایگاه

- اهمیت تحقیق و پژوهش علمی بر کسی پوشیده نیست و یکی از اهداف اصلی آموزش در هر جامعه، پرورش پژوهش گر و محقق است.
- شاخصه مهم برای ارزیابی میزان موفقیت نظامهای آموزشی چیست؟
- تعداد پژوهش گرانی است که تربیت کرده و در خدمت جامعه قرار داده است.
- رشد علمی در هر جامعه = وجود پژوهشهای جدید و نو است.
- پیشرفت و ترقی مادی و معنوی جوامع انسانی = وجود پژوهش و تحقیق است.
- چنانچه پژوهش در خدمت زر و زور و تزویر باشد چه آثاری را به دنبال خواهد داشت؟

۱- نابودی حیات آدمیان

۲- تخریب

۳- مفاسد فرهنگی و اخلاقی

۲- فضایل اخلاقی در پژوهش

۲-۱- نصیحت انگیزه و نیت

تحقیقات معنی دار = تحقیق + انگیزه الهی

مهمترین اصول اخلاقی = نیت و انگیزه

- وقتی که گفته می شود یک پژوهش گر باید با نیت الهی دست به پژوهش بزند به این معناست که پژوهشها و تحقیقات او نیز باید در خدمت اهداف الهی و در جهت خدمت به خلق خدا باشد.

۲-۲- توجه به نقش پیش فرضهای ارزشی

- یکی از مهم ترین مسائل در تحقیق و پژوهش مسأله تأثیر پیش فرضها، فرهنگ، جامعه، ارزشها و امثال آن، در تحقیق است. (مراجعه به دانش اسلامی و دانشگاه اسلامی، محمد فناپی، ص ۳۳)

- هر چند پژوهشها محصول اندیشه یک فرد یا گروه هستند اما در حقیقت اگر نیک بنگریم خواهیم دید که نتیجه و محصول زحمات و پژوهشهای پیشینیان می باشند.
- نیوتون:** "اگر توانسته ام افق را اندکی دورتر از دیگران بنگرم، بدان سبب است که بر شانه های غولان ایستاده ام."

۲-۴- گزینش مسئله

- هر کجا مشکل، جواب آن جا رود هر کجا کشتی است، آب آنجا رود
- یکی از مهم ترین گامها و مراحل مقدماتی هر تحقیقی، مسئله گزینی است.
- انتخاب مسئله از جمله مهم ترین و بنیادی ترین مراحل تحقیق است.
- انسان بی دغدغه و انسان بی مطالعه و ناآگاه مشکلی را بر سر راه خود نمی بیند تا در اندیشه حل آن برآید.

مولوی:

- هم سئوال از علم خیزد هم جواب همچنان که خار و گل از خاک و آب
- عمده ترین هدف از پژوهش چیست؟ بر طرف کردن مشکلی از مشاکل علمی و عملی جامعه.

۲-۵- شهامت در پژوهش

- در پژوهش نباید:
- الف) مشکلات احتمالی را بزرگ جلوه دهند.
- ب) توانمندیهای خود را کوچک فرض کرد.
- امام علی (ع): "چون از کار می ترسیدی خود را در آن بیفکن؛ زیرا سختی حذر کردن بزرگ تر است از آنچه از آن ترس داری/"
- چیرگی بر موانع و مشکلات = امکانات هر چند اندک + عزم راسخ + توکل به خدا.

۲-۶- امانت داری

- "ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها." (نساء/ ۵۸)
- خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانشان بدهید.
- امانتداری، به طور کلی یکی از ضررتهای زندگی اجتماعی است. امانتداری در پژوهش و تألیف نیز، رکن رکن حیات علمی و تحقیقی یک جامعه را تشکیل می دهد.

- امانتداری در امر پژوهش اقتضا می کند که در نقد یا استناد به سخن دیگران از نقل تقطیعی یعنی نقل یک مقدار از حدیث، یا متن تاریخی، متن فلسفی یا... و حذف مقداری دیگر، در جایی که مطلب پیوسته و مرتبط است، پرهیز کنیم.

۲-۷- حقیقت جویی در پژوهش

- زمانی که به ارسطو اعتراض شد که چرا حرمت استاد خود، افلاطون را نگه نداشته و نظرات او را به نقد کشانده، گفت: افلاطون را دوست دارم؛ اما به حقیقت بیش از افلاطون علاقه دارم.
- وظیفه اخلاقی یک پژوهش گر، حقیقت طلبی و حقیقت جویی است.

۲-۸- نشاط در تحقیق

- یکی از مسائل مهم، در امر تحقیق، نشاط و شادابی محقق در کار خود است.
- نشاط در تحقیق، یعنی زندگی و بلکه عشق بازی با مسئله مورد نظر.
- یکی از عوامل بی انگیزگی و سستی در تحقیق این است که اهمیت کار برای محقق روشن نشده است.
- کسالت و سستی در تحقیق = عدم علاقه به موضوع تحقیق یا نشناختن هدف

۲-۹- پژوهش گروهی

- بدون تردید، کارهای گروهی و جمعی، نسبت به کارهای فردی از هر جهت بهتر و مفیدترند.
- کاین خردها چون مصابیح اندر است بیست مصباح از یکی روشن تر است

امام علی (ع): "افضل الناس رأياً من لا يستغنی عن رأی مشیر."
بهترین آرا و اندیشه ها از آن کسانی است که از مشورت با دیگران خود را بی نیاز نبینند.

- در صد خطای پژوهش گروهی به مراتب کمتر از پژوهش فردی است چرا که:
زان که با عقلی چو عقلی جفت شد مانع بدفعلی و بدگفت شد

۲- آسیب شناسی اخلاقی پژوهش

۲-۱- شهرت زدگی

- یکی از آفات بزرگ پژوهشها و تحقیقات علمی، شهرت زدگی است. بسیاری از افراد به صرف مشهور بودن یک باور یا عقیده یا فرضیه، آن را می پذیرند و آن را مبنای پژوهش خود قرار می دهند.
- مشهور بودن یک عقیده، هرگز به معنای درست بودن آن نیست و اکثریت هرگز مساوی با حقانیت نبوده و نیست.

۲-۲- شتاب زدگی

- یکی دیگر از آفات بزرگ و مخرب پژوهش، شتاب زدگی است که خود یکی از رذایل اخلاقی هم به حساب می آید.
- کمترین آفت شتاب زدگی این است که مانع از درک درست موضوع می شود.
- هرگز نباید توقع داشت که، به هر قیمتی، در مدت زمان معینی پژوهش رابه پایان برسانیم.

۲-۳- دخالت دادن خواسته های شخصی

- یک پژوهشگر منصف کسی است که اصل بی طرفی را در تحقق مورد توجه قرار دهد. او هرگز نباید به خود اجازه دهد که دیدگاه ها، خواسته ها و اغراض شخصی یا صنفی خود را بر موضوع تحقیق تحمیل کند.
- نهی از تفسیر به رأی در قرآن، از همین جا ناشی می شود.

۲-۴- انتحال

- یکی دیگر از آفات بزرگ اخلاقی پژوهش و تألیف، سرقت ادبی یا انتحال است، که متأسفانه در دانشگاه ها و مراکز علمی ما، به یک معضل تبدیل شده است.
- معنای دیگر انتحال، عبارت است از خود را به مذهبی بستن، خود را به مذهبی یا قبیله ای منسوب ساختن، خویشتن را به کسی باز خواندن.

فصل چهارم

اخلاق نقد (شیوه های اخلاقی مواجهه با اندیشه ها)

۱- اهمیت و جایگاه

- بدون تردید یکی از مهمترین نشانه های شکوفایی علم و اندیشه در یک جامعه و همچنین یکی از علائم رشد و بالندگی و پویایی یک ملت، رونق گرفتن مباحثات علمی، تضارب آرا و تبادل افکار است.
رونق مباحثات علمی = شکوفایی علم و اندیشه

- یکی از پیآمدهای عدم رونق مباحثات علمی، رونق بازار ترجمه است.
- مهمترین شرط برای نشاط و شکوفایی علم و اندیشه، آزادی است.
- آزادی اندیشه آزادی هتاکی
- مهمترین قیود آزادی، قیود اخلاقی است.
- چگونه می توان با طرح گسترده نظریات علمی و رواج بازار نقد و نقادی در جامعه، سلامت علمی جامعه را نتیجه گرفت؟
زمانی که:
اولاً: موضوعات گفتگو، مفید و ثمر بخش باشند.
ثانیاً: گفتگوها در فضایی مناسب و به شیوه ای سالم و با مراعات اصول معرفتی و اخلاقی صورت پذیرد.

تفکر انتقادی یا منطق کاربردی

- یکی از موضوعاتی که در دوران جدید به شدت مورد اهتمام اندیشمندان قرار گرفته است، مباحثی است که تحت عنوان تفکر نقدی مطرح می شود.
- در تفکر انتقادی یا منطق کاربردی دانشجو با انواع بسیاری از مغالطه ها آشنا می شود.
- هدف از آشنایی با تفکر انتقادی، مواجهه با اندیشه های گوناگون به شیوه منطقی در موارد ضروری است.
- طبیعی است که ارتکاب مغالطه در حالت عادی و معمولی در رد یا دفاع از یک اندیشه، عملی غیر اخلاقی است.

- باید در کنار آشنایی با مغالطه با آداب و اصول اخلاقی در مقام آرایه یک اندیشه، به خوبی آشنا شده و از لغزشگاههای بزرگ و سعادت سوز به شدت پرهیز کنیم.

۲- معناسناسی نقد

- درباره نقد و انتقاد دیدگاههای مختلفی وجود دارد:
الف) نقد و انتقاد صرفاً، به معنای بیان خوبیها و محسنات است و در آن نباید از زشتیها سخنی به میان آورد.
ب) نقد عیب جویی و خرده گیری است.
ج) نظریه معتدل: ارزیابی منصفانه یک چیز است.

- هدف از نقد و انتقاد چیست؟

- هدف شناسایی و شناساندن زیبایی و زشتی، بایستگی و نایستگی، بودها و نبودهاست.

۲- ضرورت نقد

- ضرورت نقد در دو جا ملاحظه می شود:
الف: نقض دیگران را برطرف می کند.
ب: سوء تفاهم بین نقد کننده و نقد شده را از بین می برد.

امام صادق (ع): بهترین دوستان نزد من کسانی اند که عیوب و نواقص من را به من هدیه دهند.

امام علی (ع): کسی که عیوب و کاستیهای تو را پنهان کند، دشمن تو است.
- اصولاً باید دانست که نقد و انتقاد از نابسامانیها و کج اندیشیها، یکی از وظایف دینی مردم است.

به نزد من آن کس نکو خواه توست که گوید فلان خار در راه توست

۴- شرایط اخلاقی نقد

پس از بیان مباحثی مقدماتی در باب اهمیت نقد، به بیان شرایط و آداب اخلاقی نقد می پردازیم.

۴-۱- فهم سخن و تبهر در موضوع

چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست سخن شناس نه ای دلبر خطا اینجاست

- امام علی (ع): اگر دانستن چیزی برتر دشوار گردد، آن دشواری را از نادانی خود به حساب آر چه تو نخست که آفریده شدی نادان بودی سپس دانا گردیدی.
- اگر در نقد، به ویژه نقدهای علمی، ناقد در پی بیان درستیه‌ها و نادرستیه‌های یک اندیشه است، طبیعتاً نخستین شرط این کار آن است که آن سخن را به درستی فهمیده باشد.
- داشتن تبهر و مهارت کافی در موضوع مورد نقد، یک یاز شرایط اخلاقی نقد است.
- کسی که اندیشه، گفتار یا کردار او مورد نقادی قرار می گیرد نباید فوراً ناقد را به به عدم فهم مطالب خود متهم کند.

۴-۲- کنار نهادن حب و بغض

- تأثیر حب و بغض تا آنجا است که می تواند هنر را عیب و عیب را هنر جلوه دهد. کسی که به قصد مچ گیری، به نقد یک اندیشه یا رفتار می پردازد، قطعاً از درک حقیقت آن عاجز خواهد بود.
- باید توجه داشت که شخص یا اشخاصی که اندیشه یا رفتار آنان مورد نقد قرار گرفته است، اخلاقاً مجاز نیستند ناقد را به سوء غرض و داشتن حب و بغض نسبت به خودشان متهم کنند.

۴-۳- پرهیز از نقد متقابل

- یکی دیگر از آفتهای اخلاقی بزرگ در عرصه نقد و نقادی آن است که بسیاری از نویسندگان در پاسخ نقدهای یک ناقد، بدون آنکه به پاسخ گویی نقدها بپردازند، به بررسی آثار ناقد و مطالعه سرگذشت و تاریخچه ناقد پرداخته و می کوشند تا به گونه ای بی عملیها و نادرستیهای او را استخراج کنند.

۴-۴- نقد انگیزه به جای انگیزه (به گفته بنگر نه به گوینده)

- یکی دیگر از بزرگ ترین آفتهای اخلاقی در عرصه نقد، خلط و انگیزه و انگیزه است. کسی که مورد نقد قرار می گیرد به جای پرداختن به پاسخ نقدهای ناقد به کالبد شکافی نیت و انگیزه او اقدام می کند.
- امیر مؤمنان علی (ع): "حکمت را از هر کسی که آن را بیان می کند بگیر و به گفته بنگر و به گوینده منگر. حکمت گمشده مومن است. پس آن را فراگیر هر چند از منافقان باشد.

۴-۵- تفکیک اندیشه و رفتار از فرد

- هم شخص ناقد و هم شخص یا اشخاص مورد انتقاد باید به این مهم توجه داشته باشند که نقد را، از ساحت نقد اندیشه و کردار، به نقد صاحب اندیشه و کردار نکشانند.

۴-۶- لزوم بردباری و نقد پذیری

"ولا تستوی الحسنه ولا السيئه ادفع بالتي هي احسن فاذا الذي بينك وبينه عداوه كأنه وليّ حميم." (فصلت/۳۴)

هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کند، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است.

۴-۷- پرهیز از برجسب زدن

- یکی از شیوه های نادرست و خلاف اخلاق در مسئله نقد، برجسب زدن وانگ زدن به صاحبان اندیشه و یا به ناقدان است.
- برجسب هایی از قبیل: ارتجاعی، غربی، غرب زده، علم زده، فاشیست، مستبد و ...
- اگر اندکی بیندیشیم خواهیم دید که چنین برجسب هایی حتی اگر هم درست باشند، هرگز خللی در بنیانهای منطقی یک اندیشه ایجاد نمی کنند.
- آیا قرون وسطایی بودن یک اندیشه یا نو بودن آن در درستی یا نادرستی آن دخالت دارد؟
- خیر این عمل در حقیقت یکی از مغالطات منطقی است که معمولاً در کتابهای منطقی از آن به عنوان "مغالطه از طریق منشأ" یاد می شود.

۴-۸- آغاز کردن از خود

"يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ." (صف/۲-۳)

- ای کسانی که ایمان آورده اید چرا سخنی می گوئید که عمل نمی کنید؟ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگوئید که عمل نمی کنید.
- پیامبر اکرم (ص): خوشا به حال کسی که عیوب خودش او را از عیب گویی دیگران باز داشته است.
- امام صادق (ع): سودمندترین چیز برای انسان این است که به عیب خویش بر مردم پیشی گیرد.

هر کسی کو عیب خود دیدی زبیش کی بدی فارغ خود از اصلاح خویش
غافل اند این خلق از خود ای پدر لاجرم گویند عیب همدگر

فصل پنجم

"اخلاق معیشت"

"و ان لیس للانسان الا ما سعی و انّ سعیه سوف یری ثمّ یجزاه الجزاء الاوفی."

و این که برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست و این که تلاش او به زودی دیده می شود سپس به او جزای کافی داده خواهد شد.

۱- اهمیت و جایگاه

- در این فصل برآنیم که برخی از مهم ترین اخلاقیات مربوط به معیشت را یادآور شویم.
- هر فرد به تناسب استعدادها و تواناییهای ذاتی خویش و یا به اقتضای شرایط اجتماعی و محیطی، برای تأمین معیشت خویش شغلی را انتخاب می کند.
- هر شغلی اخلاقیات خاص خود را می طلبد. با وجود این تأمین معاش، به طور کلی و صرف نظر از اینکه در قالب چه شغلی یا تخصصی باشد، احکام اخلاقی مشترکی دارد.
- مسئله معیشت یکی از مهمترین و پایدارترین مسائل بشری است.
- افراد بی کار، هر چند از نظر اقتصادی نیازمند نباشند، باز هم انسانهایی موفق تلقی نمی شوند.

آثار و نتایج کارکردن چیست؟

- الف: امرار معاش و تأمین مایحتاج مادی زندگی.
- ب: احساس شخصیت، عزت، استقلال و اعتماد به نفس.
- ج: خود را یک عضو فعال و تأثیر گذار در جامعه می داند.

آثار و نتایج بیکاری چیست؟

- الف: یأس، نومیدی
- ب: سرخوردگی و بی شخصیتی
- ج: یک عضو بی فایده در جامعه تلقی می شود.

- کار، یک وظیفه و مسئولیت اجتماعی نیز هست. یعنی اگر ما شخصاً هیچ احتیاجی نداشته باشیم، باز هم وظیفه اجتماعی و مسئولیت اخلاقی ما اقتضا می کند که بیکار نباشیم.
- مؤمنان شاغل، محبوب خداوند هستند.
- پیامبر اکرم (ص): عبادت و پرستش خداوند هفتاد جزء دارد که بالاترین و برترین جزء آن، طلب روزی حلال است.
- اسلام هرگز کارکردن و تلاش برای تأمین معاش را جدای از عبادت و پرستش نمی داند.
- پیامبر اکرم (ص) درباره انسانهای بیکار می گویند:
"ملعون من القى كَلَه على الناس"
 کسی که بار زندگی خود را بر دوش مردم بیاندازد مورد لعن است.
- امام باقر (ع): حضرت موسی (ع) از خداوند سؤال کرد که خدایا مبعوض ترین بندگان نزد تو چه کسانی هستند؟
 خداوند فرمود: کسانی که شب تا صبح همچون جسدی مرده می خوابند و روز خود را به بطالت و بیکاری می گذرانند.
- امام صادق (ع): کسی که نمی خواهد از راه حلال مالی را فراهم کند که با آن آبروی خود را حفظ نماید و دینش را ادا کند و صله رحم را به جا آورد، خیری در او نیست.

۲- کار در سیره اولیای دین

- همه پیامبران و امامان برای تأمین مخارج زندگی خود و خانواده شان کار می کردند.
- یکی از یاران امام صادق (ع) که می بیند حضرت در یک روز گرم مشغول بیل زدن هستند به ایشان می گویند: اجازه دهید من به جای شما کار کنم.
 حضرت (ع) در پاسخ فرمود: "من دوست دارم که انسان برای تأمین معاش و در طلب معیشت، سختی و آزار آفتاب گرم را تحمل کند."

۲- نقش نیت در ارزشمندی کار

- یکی از مهم ترین ارکان ارزشمندی کارهای اختیاری انسان، مسئله نیت و انگیزه فرد از انجام آن است.
- آن همه ارزشی که در اسلام برای کار ذکر شده است، همگی مبتنی بر داشتن نیت و انگیزه خوب است.

- پیامبر اکرم فرمودند: اگر انسان به انگیزه مباحات و فخر فروشی و به هدف تکاثر و مال اندوزی کار کند، در آن صورت در راه شیطان است.

۴- رابطه اخلاق و معیشت

- در روایات متعددی اخلاق نیکو به عنوان یکی از عوامل گشایش در رزق و روزی و اخلاق بد به عنوان یکی از عوامل تنگدستی و فقر معرفی شده است.
- پیامبر اکرم (ص): ای ابوذر به درستی که انسان گاهی به دلیل انجام گناه، از روزی مقرر خود محروم می شود.
- پیامبر اکرم (ص): گنجهای رزق در اخلاق خوب نهفته است.
- پیامبر اکرم (ص): اخلاق نیکو، موجب زیادت در روزی می شود.
- با توجه به روایات مطرح شده منظور از رزق چیست؟
- باید توجه داشت که رزق در اینجا معنایی عام و گسترده دارد. یعنی منحصر در رزق متعارف از قبیل خوراک و پوشاک و مسکن و مانند آن نیست بلکه شامل رزقهای معنوی و اخروی نیز می شود.
- مصیبتها و محرومیتها معلول و پی آمد چیست؟
- در بسیاری از آیات و روایات، این حقیقت را تأکید کرده است که علت اصلی محرومیتهای انسان اعمال و رفتارهای ناشایست خود او است.
- (دراین راستا مراجعه شود به قرآن: ثور/ ۳۰ و اعراف/ ۹۶ و طلاق/ ۳-۲)
- پیامبر اکرم (ص): هر مصیبتی به شما رسد به سبب دستاورد خود شما است و خدا بسیاری را نیز عفو می کند.

دل از آلودگیها گر بود پاک زیان شد پاک از هر عیب و هر آک
و گر این آینه بگرفت زنگار زیان گردد بسان مار جرّار

- هر چند ما نتوانیم با عقل جزئی نگر خود رابطه میان گناه و محرومیت از رزق، به ویژه رزقهای مادی، را درک کنیم، همان طور که ممکن است نتوانیم رابطه میان اخلاق نیک و بهره مندی از رزقهای مادی و معنوی را به درستی دریابیم، اما باید بدانیم که این رابطه، از نظر قرآن و معارف اصیل اسلامی، رابطه قطعی و ضروری معرفی شده است.

۵- نقش کار در تربیت و بهداشت روانی

- یکی از مهمترین عوامل سازنده شخصیت انسان، کار است.
- امام علی (ع): "النفس ان لم تشغله شغلک"
- اگر نفس خود را به کاری مشغول نسازی او تو را مشغول خواهد کرد.

- نفس انسانی به ویژه قوه خیال آدمی به گونه ای است که اگر بیکار باشد، انسان رابه تباهی و فساد خواهد کشاند.
- یکی از مهمترین علل ارتکاب گناه، بیکاری است.
- اشتغال افزون بر اینکه، از انفجار انرژیهای متراکم جلوگیری می کند، مانع پیدایش افکار و وساوس و خیالات شیطانی نیز می شود.
- به قول پاستور بهداشت روانی انسان در لابراتوار و کتابخانه است.
- ولتر می گفت: هر وقت احساس می کنم که درد و رنج بیماری می خواهد مرا از پای در آورد، به کار پناه می برم. کار بهترین درمان دردهای درونی من است.

۶- کار و احساس شخصیت

- امام علی (ع): هر آینه که نقل و انتقال سنگهای سنگین از بالای کوهها برای من دوست داشتنی تر از منت کشیدن از دیگران است.
- امام علی (ع): اگر می خواهی آزاد زندگی کنی، مثل بردگان تلاش کن.
- آرزویت را از مال دیگران به طور کلی قطع نما.
- درخواست کمک مالی از مردم و سربار دیگران بودن، به دلیل آفات اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی فراوانی که دارد، به شدت مورد مذمت و نکوهش اسلام و اولیای اسلام قرار گرفته است.
 - شخصی به خدمت امام صادق (ع) آمد و عرض کرد: من مردی فقیر و تنگدست هستم که نه می توانم کار دستی انجام دهم و نه فن تجارت را می دانم. امام صادق(ع) فرمودند: کار کن؛ با سرت باربری کن و خود را از مردم بی نیاز گران.
 - هرگز نباید به خردی کار نگاه کرد.
 - پیدا نکردن شغلی مطابق به میل خود هرگز مجوز بیکاری و پذیرش خواری در خواست از دیگران نیست.

• نتایج این فصل:

- الف: موثر بودن کار در شکل گیری شخصیت فردی و اجتماعی انسان و بهداشت روانی او.
- ب: ارزشمندی کار و تحقیر نکردن کار و صرف نشدن اوقات در بیکاری
- ج: کار از دیدگاه اسلام نوعی عبادت محسوب می شود.
- د: اخلاق نیک موجب کشایش در رزقهای معنوی و مادی است.
- م: اخلاق بد موجب تنگدستی است.

فصل ششم

"اخلاق معاشرت"

۱- اهمیت و جایگاه

- در طول تاریخ همواره گروه هایی بوده و هنوز هم در گوشه و کنار جهان هستند که از معاشرت با دیگران پرهیز داشته و زندگی در انزوا و خلوت را ترجیح داده اند.
- دلیل انزوا و گوشه گیری این گروه ها:
- ۱- اجتماع و زندگی اجتماعی با دیگران زمینه ساز گناه و انحراف است.
- ۲- معاشرت بادیگران زمینه ساز بسیاری از رذایل اخلاقی است.
- ۳- انزوا باعث می شود انسان با خیالی آسوده و بدون دغدغه فکری به عبادت و راز و نیاز با معبود می پردازد.
- ۴- از آسیب تهمت و حسادت و سوء ظن مردمان بد اندیش در امان می مانند.
- حقیقت آن است که معاشرت و ارتباط سازنده با دیگران، یکی از مهم ترین و اصلی ترین نیازهای روحی و روانی آدمیان است.
- کلمه انسان برای انسان شاید به دلیل نیازمندی او به انس و الفت با دیگران است.
- به هر حال هیچ انسانی در شرایط عادی، به تنهایی توانایی بقا و ادامه حیات را ندارد.
- چرا یکی از بزرگ ترین و طاقت فرساترین مجازاتها برای مجرمان، نگه داشتن آنان در سلول انفرادی است؟
- آیا جز این است که زندان انفرادی او را از دیدن سایر انسانها، سخن گفتن با آنان و معاشرت داشتن با دیگران محروم می کند؟
- کسی که با نگه داشتن در سلول انفرادی مجازات می شود رنجی که از دوری دیگران می برد به مراتب از رنجی که از ممنوعیت از خوراک و پوشاک و امثال آن می برد طاقت فرساتر است.
- گروههایی که انسان با آنها مواجه است به ترتیب:
- ۱- خانواده
- ۲- سایر اقوام
- ۳- هم سالان، همسایگان و دوستان

- ۴- اجتماع، شهر و جامعه جهانی
- همه موارد فوق در تکنون شخصیت اجتماعی، اخلاقی، سیاسی انسان تأثیری انکار ناپذیر دارد.

- جامعه ظرف ظهور:

- ۱- فضایل اخلاقی مانند: عدالت، انصاف، احسان، ایثار و ...
- ۲- رذایل اخلاقی مانند: ظلم، تکبر، خیانت، دروغ، رشوه، بی بند و باری و ...
- ۳- تعلیم و تعلم
- ۴- آشنایی با تجارت دیگران
- معاشرت با دیگران، یکی از بهترین ابزارها برای تهذیب نفس و خودسازی است.

"معاشرت به طور مطلق"

- از مطالب پیش گفته به دست می آید که معاشرت به طور مطلق و با همه انسانها نه قابل توصیه است و نه قابل هشدار!!
- می توان گفت که معاشرت با دیگران دو گونه است:
- ۱- معاشرت مطلوب و سازنده
 - ۲- معاشرت نامطلوب و مخرب
- معاشرت به خودی خود مطلوبیت ذاتی ندارد
- خوب یا بدی معاشرت بستگی به دو چیز دارد:
- ۱- هدف از معاشرت
 - ۲- نوع تأثیر آن در کمال مطلوب انسان

پیامبر اکرم (ص): ای ابوذر همنشین صالح بهتر از تنهایی و انزوا است و تنهایی بهتر از همنشین ناصالح است.

۲- انواع معاشرت:

به طور کلی می توان معاشرتهای هر فردی را با دیگران به پنج دسته تقسیم کرد:

۲-۱ معاشرتهای انسانی

- منظور ما از معاشرتهای انسانی برخوردهایی است که با دیگران، به عنوان یک انسان و همنوع داریم.

۲-۲- معاشرتهای آیینی

- نوع دیگری از معاشرت هست که می توان آن را معاشرت آیینی یا دینی نامید. یعنی معاشرتها و روابطی که هر فردی با سایر افراد هم کیش و هم ملک خود دارد.
- پیامبر اکرم (ص): کسی که فریاد استمداد برادر مسلمانی را بشنود، ولی به یاری او نشتابد، مسلمان نیست.

۲-۳- معاشرتهای شهروندی

- هر کدام از ما به عنوان یک شهروند با سایر شهروندان دارای روابط خاصی هستیم که با غیر شهروندان چنان روابطی را نداریم.
- علی (ع): و خدا را! خدا را! همسایگان را بپایید که سفارش شده پیامبر شمايند...

۲-۴- معاشرتهای دوستانه

- هر یک از ما از میان هموعان، همشهریان یا هم کیشان خود، افراد خاصی را بر می گزینیم و با آنان روابط صمیمانه تری را برقرار می کنیم. همین مسئله وظایف اخلاقی خاصی بر عهده ما می گذارد

۲-۵- معاشرتهای خانوادگی

- ما به عنوان یک فرزند، در قبال والدین خود وظایف ویژه ای بر عهده داریم. احترام والدین، روابط همسران، نحوه تربیت فرزند، صلح رحم، و ده ها مسئله خرد و کلان دیگر، همگی مربوط به این نوع از معاشرت می شود.

۲- معیار معاشرت

"هر چه برای خود می پسندی برای دیگران هم بپسند."

- شخصی به محضر پیامبر (ص) رسید و عرض کرد: ای پیامبر خدا، کاری را به من بیاموزان که با انجام آن به بهشت در آیم. پیامبر اکرم (ص) در پاسخ فرمودند: "چیزی را که دوست داری از ناحیه مردم به تو برسد، به آنان برسان و چیزی را که دوست نداری از مردم به تو برسد، به آنان نرسان."

- بهترین و کاملترین معیار برای سنجش درستی یا نادرستی رفتارهای اجتماعی چیست؟

این است که انسان خود را به جای دیگران قرار دهد.

- چرا در هنگام معاشرت با دیگران باید خود را به جای آنان بگذاریم؟
- همین مقدار که انسانهایی هستیم و باید با هم زندگی کنیم و از زندگی اجتماعی نمی توانیم چشم پوشیم و این زندگی به روابط متقابل نیازمند می باشد، کافی است تا خود را به رعایت روابط اجتماعی متقابل ملزم سازیم و رفتار مناسب داشته باشیم و این مهم با این معیار که خود را به جای طرف مقابل فرض نماییم به دست می آید و محقق می گردد.

۴- اهتمام به امور مردم

- توصیه اکید اسلام این است که هر مسلمانی همواره باید دغدغه سایر انسانها را داشته، نسبت به هدایت و ارشاد آنها احساس مسئولیت کند. و این مختص به هم کیشان و هم مسلکان او نیست.

بنی آدم اعضای یک دیگراند که در آفرینش زیک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

- پیامبر اکرم (ص): مردمان همگی، عیال خداوند هستند، پس محبوب ترین افراد نزد خداوند، نیکوترین شان نسبت به عیال خداوند است.
- پیامبر اکرم (ص)، در سخنی دیگر، اوج خردورزی را پس از دینداری، مهربانی و محبت و خیرخواهی نسبت به همه انسانها، اعم از خوب و بد، معرفی کرده است.
- پیامبر اکرم (ص): محبت نسبت به مردم نصف ایمان است.
- امام علی (ع): محبت به مردمان نصف عقل محسوب می شود.

خورنده که خیرش برآید ز دست به از صائم الدهر دنیا پرست
مسلم کسی را بود روزه داشت که درمانده ای را دهد نان چاشت

- تصور عموم از بشر دوستی اهتمام به امور مردم، مسائل مادی و رفاهی است.
- برخی از نویسندگان در این باره گفته اند:
"بشر دوستی عبارت از در نظر گرفتن حقوق مردم و سعی در رفاه حال آنان است."
- روشن است که امور مردم و سودرسانی و خدمت به آنان منحصر در امور مادی و رفاهی نیست.
- پیامبر اکرم (ص) فرمودند: " من اصبح و لایهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم" کسی که صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد، مسلمان نیست.
- به قول سعدی: "برادر که در بند خویش است نه برادر و نه خویش است."

۵- برآورده ساختن نیاز مردم

- یکی دیگر از وظایف اخلاقی ما در جامعه این است که در برآورده ساختن نیازهای برادران دینی خود کوشا باشیم.
این کار از جمله محبوب ترین کارها نزد خداوند به حساب می آید.

در اسلام در پیش قدم شدن در رفع حوائج دیگران:

- از همه مسلمانان خواسته شده که به محض اطلاع از نیازمندی یک مؤمن، موظفند، در صورت امکان، در رفع نیاز او پیش قدم شوند یعنی اجازه ندهند که آن فرد، نیازش را بیان کند.

"اذا علم الرجل ان اخاه المؤمن محتاج فلم يعطه شيئاً حتى ثم اعطاه لم يؤجر عليه."

هرگاه کسی آگاه شود که برادر مؤمن وی، نیازمند است و چیزی به او ندهد تا آنکه از او بخواهد، سپس به او عطا نماید پاداشی نصیب وی نخواهد شد.

- حتی اگر کسی، خودش، نمی تواند نیاز برادر مسلمانش را برآورده سازد، ولی می تواند از اعتبار و آبروی خود در این جهت مایه بگذارد، اخلاقاً موظف است، این کار را انجام دهد.

- امام رضا (ع) در این باره فرمودند: "خداوند را در روی زمین بندگانی است که در برآورده ساختن نیازهای مردم تلاش می کنند، اینان روز قیامت در امان هستند."

۶- اصلاح میان مردم

"... فاتقوا الله و اطيعوا الله و رسوله ان كنتم مؤمنين" (انفال/۱)

... پس از مخالفت فرمان خدا پرهیزید؛ و خصوصیتی را که در میان شما است، آشتی دهید؛ و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید؛ اگر ایمان دارید.

"انما المؤمنون اخوه فأصلحوا بين اخويكم و اتقوا الله لعلكم ترحمون." (حجرات/۱۰)

مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید.

"اصلاح ذات بین"

- یکی از بهترین و مطلوب ترین اخلاقیات اجتماعی، اصلاح ذات بین است.

- بدون تردید در زندگی اجتماعی همواره ممکن است کدورتها و ناراحتیهایی میان افراد، پدید آید.

- وظیفه دیگران در بروز کدورت و ناراحتی بین دو نفر چیست؟
- یکی دیگر از وظایف اخلاقی سایر افراد این است که میان آنان را آشتی داده و اجازه دهند که اختلافی جزئی به اختلافات ریشه ای و عمیق تبدیل شود.
- اصلاح ذات بین در اسلام از نماز و روزه و صدقه دادن نیز بالاتر دانسته شده است.
- امام صادق (ع): اصلاح میان مردم را نوعی صدقه دانسته اند که محبوب خداوند است.

۷- نظارت اجتماعی: امر به معروف و نهی از منکر

- یکی از بهترین جلوه های اخلاق اجتماعی در اسلام، مسئله امر به معروف و نهی از منکر است.

- در این راستا می توان به کتابهای ذیل مراجعه کرد:

- ۱- بعد اجتماعی اسلام اثر محمد اسفندیاری
- ۲- ده گفتار اثر مرتضی مطهری
- ۳- دانش نامه امام علی (ع)، ج ۶، اثر سید حسن اسلامی
- ۴- وسائل الشیعه، ج ۱۶، اثر محمد بن حسن الحر العاملی

- انسان باید بکوشد تا خوبیها را در سطح جامعه گسترش دهد و زشتیها و بدیها را، در هر جایی که می بیند، بردارد.
- امر به معروف و نهی از منکر، بهترین و زیباترین نشانه اهتمام به امور خلق و توجه به مسائل مسلمانان است.
- امر به معروف و نهی از منکر؛ یعنی در برابر دیگران احساس مسئولیت کردن.
- لقمان خطاب به فرزندش می گوید:
 "یا بُنّی اقم الصلاة و امر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما اصابک انّ ذالک من عزم الامور." (لقمان/۱۷)
- پسر! نماز را برپا دار، امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصایبی که به تو می رسد شکینا باش که این از کارهای مهم است.
- علی (ع)، مهمترین دلیل پذیرش خلافت را، پس از قتل عثمان، امر به معروف و نهی از منکر دانست.
- امام حسین (ع) در نامه سراسر حکمت خود به فرزندش امام حسن (ع) پس از توصیه او به حکمت آموزی، تواضع، یاد مرگ و امثال آن،

می فرمایند، اکنون باید در احیای وظیفه اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر کوشا باشی تنها به فکر خود نباشی، باید دست دیگران را نیز بگیری.

۷-۱- وظیفه ای عمومی

- امر به معروف و نهی از منکر مربوط به فرد یا گروه خاصی نیست؛ بلکه وظیفه ای است که برعهده همه افراد جامعه است.
- در عین حال این وظیفه دارای شرایط خاص خود می باشد.

۷-۲- شرایط امر به معروف و نهی از منکر

- امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است که به آنها اشاره می شود:

۱- شناخت معروف و منکر

۲- احتمال تأثیر

چون هدف اصلی این فریضه، تحقق معروفها و جلوگیری از وقوع منکرها و یا رفع آنها است.

۳- اصرار بر انجام منکر است و نادیده گرفتن معروفها است.

- اگر فرد یا گروهی خودش متوجه خطا و اشتباه خویش شد و در صدد اصلاح برآمد آیا در این صورت جایی برای امر به معروف و نهی از منکر باقی است؟

- خیر حتی برخی از فقیهان نظیر صاحب جواهر در چنین مواردی حکم به حرمت امر به معروف و نهی از منکر داده اند.

۷-۳- مراتب امر به معروف و نهی از منکر

- برای امر به معروف و نهی از منکر، سه مرتبه و مرحله ذکر شده است:

۱- مرتبه قلبی

۲- مرتبه زبانی

۳- مرتبه عملی

- منظور از مرتبه قلبی، این است که انسان در درون خویش از منکر نفرت داشته و معروف را دوست بدارد.

- کسی که از مرتبه قلبی امر به معروف و نهی از منکر برخوردار نباشد، انسانی مسخ شده و دارای طبیعت و سرشتی دگرگون شده است.

- منظور از مرتبه زبانی، این است که به هنگام مشاهده منکر، ناخشنودی خود را به زبان آورده، اعتراض و ناخشنودی خود را نسبت به منکر به گوش فرد برسانیم.

- اگر مراتب و مراحل قلبی و زبانی کافی و کارآمد نبود، باید دست به اقدام عملی زد و این تنها وظیفه حکومت و حاکمین و ضابطین است نه تک تک افراد.

۷-۴- راه های اجرای امر به معروف و نهی از منکر

- این سه مرحله امر به معروف و نهی از منکر به ویژه مرحله دوم و سوم یعنی مرحله امر و نهی زبانی و عملی، به دو صورت قابل اعمال هستند:

الف) مبارزه ایجابی (مثبت)

ب) مبارزه سلبی (منفی)

الف: مبارزه مثبت به این صورت است که وقتی با منکری مواجه می شویم، با قاطعیت و جدیت تمام در مقابل آن ایستاده و در حد توانایی خویش از وقوع یا تکرار آن جلوگیری نماییم.

- قاطعیت و جدیت به معنای تندی و خشونت نیست.

- امر و نهی هنگامی تأثیرگذار است که همراه با همدلی و مدارا باشد.

"فان عصوک فقل آتی بریء ممّا تعلمون." (شعرا/۲۱۶)

اگر تو رانا فرمانی کنند بگو: من از آنچه شما انجام می دهید بی زارم.

- هدف از حدود (مجازاتهای) شرعی، پاکسازی گناه است و نه کیفر دادن گناه کار.

ب: مبارزه منفی و آن به این صورت است که مثلاً از نشست و برخاست با مرتکبان گناه، پرهیز کرده، دوستی و رفاقت خود را با آنان قطع کنیم. این کمترین کاری است که هر مسلمانی در مواجهه با وقوع منکرات می تواند انجام دهد.

۸- آسیب شناسی معاشرت

۸-۱- دخالت در امور خصوصی

- امر به معروف و نهی از منکر یکی از وظایف شهروندی و اجتماعی مسلمانان است. باید از کشاندن آن به حریم خصوصی افراد، به شدت پرهیز کرد.

- نهایت جهل است که برای امر به معروف و نهی از منکر، خود مرتکب منکر شده و معروف را باز گذاریم.

- تنها استثنا در این مورد، بازرسی از سازمانها و نظارت بر ارگانهای دولتی است.

امام علی (ع) در توصیه خود به مالک اشتر، درباره کارکنان و مدیران می گوید:

"بر کارهای آنان مراقب دار و جاسوسی راستگو و وفا پیشه برایشان بگمار؛ که مراقبت نهائی تو در کارهایشان، وادار کننده آنها است به رعایت امانت و مهربانی است بر رعیت."

۸-۲- شایعه پراکنی

پیامبر اکرم (ص) در توصیه خودبه ابوذر غفاری می فرماید:

"ای ابوذر، برای دروغگو بودن فردهمین بس که هر چه را می شنود بازگو نماید."

- یعنی حتی در جایی که شنیده های او عین واقع باشد، اما او بدون تحقیق و بررسی به بازگویی آنها پردازد، دروغ به حساب می آید.
- با توجه به این سخن پیامبر، می توان شایعه پراکنی را از مصادیق دروغ دانست، افزون بر این، باید اندیشید که آن شایعه، اساسی دارد یا نه، پس باید پیش از نقل هر خبری در درستی آن تحقیق کنیم و پس از اطمینان به درستی آن به نقل آن پردازیم.

۸-۳- سوء استفاده از دیگران

- هرگز نباید معاشرت با دیگران را به عنوان پلی برای رسیدن به مطامع و خواسته های شخصی خودقرار دهیم.
- امام علی (ع) در سفارش خود به امام حسن (ع) در این باره می گویند: "و حق برادرت را به اعتماد دوستی که با او داری ضایع مگردان، زیرا کسی که حق او را ضایع کنی دیگر برادر تو نخواهد بود.
- امام علی (ع): انصاف موجب پیوند دلها به یکدیگر می شود.
- امام جواد (ع): یکی از عوامل دوست یابی، انصاف در معاشرت است.

۹- دوستی و دوست یابی

- یکی از نخستین راهها برای قضاوت درباره شخصیت افراد، شناخت معاشران و دوستان آنان است.
- بهره مندی از معاشران خوب مساوی با بهره مندی از خیر دنیا و آخرت معرفی شده است.
- ویژگیهای دوست از راه های پنهانی، به دوست، منتقل می شود.
- امام علی (ع): با انسانهای شرور معاشرت نکن، چرا که طبع تو، ناآگاهانه، از طبع او می دزدد.
- به هر حال هرگز نباید با این تصور که من تحت تأثیر بدی دیگران واقع نمی شوم، با انسانهای بد معاشرت داشت.
- بسیاری از جوانان، زمانی که به آنان گفته می شود با دوستان معتاد و فاسد معاشرت نداشته باشید، در پاسخ می گویند: من هرگز به اعتیاد و فساد کشیده نخواهم شد.
- اما تجربه نشان داده است که به ندرت چنین اتفاقی می افتد.

- امیر مؤمنان در نامه ای به حارث همدانی می گویند:
از همنشینی آن که رأیش سست و کارش ناپسند بود پرهیز که هر کس را از آن
که دوست اوست شناسند.
- باید دانست اگر میان دو نفر رابطه دوستی برقرار شود، حتماً سنجیتی میان آن
دو هست:

آن حکیمی گفت دیدم در تکی می دویی زاغ با یک لک لکی
در عجب ماندم بجستم حالشان تا چه قدر مشترک یابم نشان
چون شدم نزدیک و من حیران و دنگ خود بدیم هر دو آن بودند لنگ
- دوستان انسان، بهترین محک برای شناخت شخصیت او هستند.

۹-۱- ویژگیهای دوست

- امام صادق (ع) فرماید: دوستی دارای شرایط و حدودی است:
- اگر کسی همه آنها را داشته باشد، کمال صداقت و دوستی را دارد.
- اگر کسی تنها برخی از آنها را داشته باشد، کمال صداقت و دوستی را
ندارد.
- اگر کسی هیچ یک از آنها را نداشته باشد، چیزی از دوستی را ندارد و
اصلاً نباید او را دوست نامید:

آن ویژگیها عبارتند از:

- ۱- ظاهر و باطن دوست یکسان باشد.
- ۲- زینت دوستش را زینت خود و ننگ او را ننگ خود بداند.
- ۳- ثروت و قدرت، رفتار او را تغییر ندهد.
- ۴- چیزی را از دوستش دریغ نورزد.
- ۵- در سختیها دوست خود را رها نکند.

برخی دیگر از ویژگیهای دوست:

- گفتارشان بر دانش انسان افزوده شود.
- رفتارشان یاد آخرت را در دل انسان زنده می کند.
- معاشرت با انسانهای خردمند داشته باشیم.

۹-۲- اعتدال در دوستی (حد نگه داشتن در دوستی)

- همواره باید به این اصل توجه داشت که: کلّ سرّ جاوز الاثنین شاع.
هر رازی که از دو نفر بگذرد همه با خبر می شوند.

امام علی (ع): دوستت را چندان دوست مدار مبادا که روزی دشمنت شود و دشمنت را چندان کینه موز که روزی دوستت گردد.

امام صادق (ع): پس از قطع ارتباط با دوستت، چندان از او بدگویی نکن که راه بازگشت را بر او ببندی؛ شاید که تجارب زندگی او را به سوی تو بازگرداند.

۹-۳- با که دوست نورزیم؟

"هرگاه کسانی را دیدی که آیات مارا استهزا می کنند، از آنان روی بگردان ..."
(انعام/۶۹-۶۸)

"و به خاطر آور روزی را که ستمکار دست خود را از شدت حسرت به دندان میگزرد و می گوید: ای کاش با رسول خدا راهی برگزیده بودم..." (فرقان/۲۹-۲۷)

منشین با بدان که صحبت بد گرچه پاکی تو را پلید کند
آفتاب از چه روشنی است او را پاره ای ابر ناپدید کند

امیر مؤمنان در پاسخ به این سؤال که بدترین دوستان کیانند؟ فرمودند: کسی که گناه را در چشم انسان زیبا جلوه می دهد.

علی (ع): "با چاپلوس معاشرت نکن، چرا که کارش را در نظر تو زیبا جلوه می دهد و دوست دارد که تو نیز مثل او باشی."

امام باقر (ع): پدرم امام سجاد به من فرمود: پسر من با پنج گروه دوستی مکن هم سخن مشو و با آنها همراه مشو.

گفتم: پدر آنان کیانند؟

فرمود:

- از دوستی با دروغگو بپرهیز، زیرا دروغگو همچون سراب است.
- از دوستی با فاسق بپرهیز، چرا که تو را به لقمه ای یا کمتر از لقمه ای می فروشد.
- از دوستی با بخیل بپرهیز، زیرا تو را در زمانی که بیشترین نیازمندی را به مال او داری، رها می کند.
- از دوستی با احمق بپرهیز، چرا که احمق هر چند اراده سود رسانی به تو را دارد، اما به تو زیان می رساند.
- از دوستی با کسی که رابطه اش را با خویشان خود قطع کرده بپرهیز، چرا که در سه آیه از قرآن مورد لعن قرار گرفته است.

نتایج فصل ششم:

- ۱- معاشرت با دیگران تأثیر فوق العاده ای در شکل گیری شخصیت انسان دارد.
- ۲- در انتخاب معاشران دقت لازم به عمل آید.
- ۳- هر چه را برای خود می پسندد برای دیگران نیز پسندد.
- ۴- با وظایف اخلاقی خود آشنا شود.
- ۵- برای حل اختلاف میان مسلمانان و مردم، پیش قدم شود.
- ۶- در انجام امر به معروف و نهی از منکر کوتاهی نکند.
- ۷- غرض اصلی از معاشرت با دیگران بهره جوییهای شخصی نباشد.
- ۸- از دوستان ناشایست دوری نماید.

"و از نشانه های او این که همسرانی، از جنس خودتان، برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این، نشانه هایی است که برای گروهی که تفکر می کنند." (روم/۲۱)

همچنین به: نمل/۷۲، اعراف/۱۸۹ و نساء/۱، مراجعه شود.

فصل هفتم**"اخلاق جنسی"****۱- جایگاه و اهمیت**

- اخلاق جنسی: به سلسله مباحثی گفته می شود که حول غریزه جنسی و مسائل مرتبط با آن شکل می گیرد.
- اخلاق جنسی: یکی از مهمترین مباحث اخلاقی در طول روزگاران گذشته و در زمان کنونی به شمار می آید.
- اخلاق جنسی، با شاخه های دیگری از علوم نیز مرتبط است.
- (برای آگاهی بیشتر به اخلاق جنسی، مرتضی مطهری و راه و رسم زندگی و نیایش، الکسیس کارل، ترجمه پرویز دبیری مراجعه شود.)
- آیا نسبیت گرایی جنسی صحیح است؟ و باید بپذیریم اخلاق جنسی در هر جامعه ای متفاوت است؟

- آیا به طور مثال وجود هم جنس بازی در جامعه های غربی و پذیرفتن آن به عنوان یک فرهنگ، دلیل خوب بودن آن در آن جامعه است یا آنکه هم جنس بازی به خودی خود یک فعل ناشایست است؟
- نظر شما در این باره چیست؟ آیا این نوع اختلافات را قبول دارید؟

۲- بیان دیدگاهها

- درباره غریزه و علاقه جنسی نگاههای متعدد و متنوعی مطرح شده است.
- به طور کلی می توان دیدگاههای مختلف را در این باره به سه دسته تقسیم کرد:

۱- تفریطی

۲- افراطی

۳- معتدل

۲-۱- دیدگاه تفریطی

- همواره بوده و هستند افراد و گروهها و آیینهایی که علاقه و غریزه جنسی را یک غریزه ذاتاً پلید، زشت و شیطانی دانسته و می دانند.
- ایشان معتقدند عامل اصلی تباهی فرد و جامعه، غریزه جنسی است.
- اینان بر این باورند که آمیزش جنسی هرگز با تکامل روحی سازگار نیست.
- به عنوان نمونه، بر همان آیین بودا چنین اعتقادی دارند.
- در آیین جین، هر فردی که بخواهد این آیین را بپذیرد در ابتدای ایمان خود باید پیمانی پنج گانه را متعهد شود که یکی از مهمترین آنها، این پیمان است که "لذات و شهوات جنسی را برخورد حرام دانسته و ابتلای به آن را برای دیگران نیز نمی پسندیم"
- در میان مکاتب اخلاقی یونان باستان، کلیان یا سگ منشان براین باور بوده که: "تمام ثمرات تمدن، از قبیل حکومت، ثروت شخصی، ازدواج، دین و ... مصنوعی و بی ارزش است؛ اگر رستگاری و نجاتی هست، همانا در ترک جامعه و در بازگشت به زندگی ساده و زاهدانه یافته می شود."

برای آگاهی بیشتر به منابع ذیل مراجعه شود:

- زندگی، آیین و رهبانیت بودا، ترجمه بدرالدین کتابی
- تاریخ جامع ادیان، ترجمع علی اصغر حکمت
- کلیات فلسفه، ترجمه و اضافات جلال الدین مجتوی

- رهبران مسیحی نیز هر چند ازدواج را، به طو کلی، تحریم نمی کنند؛ اما آن را عملی ذاتاً پلید می دانند.

- در مسیحیت، دو چیز است که ازدواج را برای مسیحیان عادی و مشروع می کند:

۱- حفظ نسل

۲- دفع افسد به فاسد

(کلیات فلسفه، ترجمه و اضافات جلال الدین مجتبی)

- مسیحیان معتقدند کسی که می خواهد رهبری دینی مردم را برعهده گیرد باید همچون عیسی مسیح در سراسر عمر خود از آمیزش جنسی دوری کرده باشد.

- بر همین اساس کسانی می توانند به مقام پا پی برسند که هرگز ازدواج نکرده باشد.

- بولس قدیس، در نامه اول خود به قرنتیان، درباره ازدواج می نویسد: "کاش همه می توانستند مانند من مجرد بمانند... مردی که ازدواج نکرده است، می تواند تمام وقت خود را صرف خدمت خداوند کند و تمام فکرش این باشد که او را خشنود سازد..." (عهد جدید، نامه اول قرنتیان)

- نگرش تغریبی به غریزه جنسی، در میان مسلمانان صدر اسلام نیز وجود داشت و پیامبر اکرم و امامان معصوم به شدت با این نگرش به مبارزه پرداختند.

(به نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹ مراجعه شود)

۲-۲ دیدگاه افراطی

- در دوران جدید، یعنی از طرح گسترده مسائل روان شناسی و پیشرفت نسبی علم روان شناسی، دیدگاهی کاملاً مخالف با دیدگاه پیشین، درباره علاقه و غریزه جنسی مطرح شده است.

- طراح اصلی این دیدگاه، زیگموند فروید، روان شناس و روان کاو مشهور اتریشی بود.

- اینان ریشه همه مشکلات اخلاقی و ناهنجاری های اجتماعی را در سرکوبی غریزه جنسی دانستند.

خلاصه دیدگاه فروید:

الف: میل جنسی در انسان نسبت به دیگر امیال شدیدتر است.

ب: غریزه جنسی از همان دوران طفولیت، در انسان شروع به فعالیت می کند.

ج: این امیال گرچه سرکوب شوند، اما محو نمی شوند و به شکل عقده هایی در ضمیر ناخودآگاه انسان متراکم می گردد.

د: مذهب و علایق دینی، چیزی نیست جز همین امیال سرکوب شده و همین عقده های متراکم.

ه: ریشه همه فعالیت های بشری، اعم از فعالیت های مثبت و منفی، در غریزه جنسی است.

توصیه پیروان دیدگاه افراطی

"محدودیتها را بردارید تا ریشه مردم آزاری و کینه ها و عداوتها کنده شود؛ عفت را از میان بردارید تا دلها آرام بگیرد و نظم اجتماعی برقرار گردد؛ آزادی مطلق اعلام کنید تا بیماری های روانی رخت ببرند."

(اخلاق جنسی، مرتضی مطهری)

سرچشمه بیماری های عصبی و روانی از دیدگاه فروید:

- فروید و پیروان او سرچشمه این گونه بیماری ها و نابسامانی اجتماعی و فرهنگی را در سرکوب غرایز، به ویژه غریزه جنسی، دانستند.
- ردایلی مانند: حسادت، ظلم، سوءظن، گوشه گیری، دروغ و ... ریشه در محرومیت های غریزه جنسی دارند.
- به طور کلی، طرفداران این دیدگاه سه استدلال عمده برای اثبات نظریه خود ارائه کرده اند:

استدلال نخست

- ریشه همه بیماری های روحی و اجتماعی بشر در سرکوب غریزه جنسی و ایجاد محدودیت ارضای آن است. در مقابل، راه وصول به سعادت و نجات از بیماری های روحی و روانی، ارضای آزادانه غریزه جنسی است.

پاسخ:

اولاً: این ادعا که ریشه بیماری های روحی و روانی بشر ایجاد محدودیت های جنسی است، ادعایی بی دلیل است.

ثانیاً: آزادی همه جانبه در ارضای غرایز جنسی نه تنها موجب وصول به سعادت و نجات از بیماری های روانی نخواهد شد، که آشفتگی های روحی و روانی شدیدتری را در پی خواهد داشت.

استدلال دوم:

- تجربه نشان داده است که انسان نسبت به چیزی که منع شود، حریص تر می شود اگر می خواهیم بشر، برای همیشه، از وسوسه ها و دغدغه های جنسی رهایی یابد، باید او را در ارضای غریزه جنسی اش، کاملاً آزاد گذارده و هرگونه قید و بندی را از جلوی روی او برداریم.

پاسخ:

اولاً: پذیرش این اصل که هر گونه ممنوعیتی حرص آور است و نتیجه عکس می دهد، مستلزم آن است که بسیاری از قوانین و مقررات اجتماعی، برچیده شود. ثانیاً: در همان جوامعی که آزادی جنسی وجود دارد، هرچند ممکن است از حیث نگاه به جنس مخالف، ارضا شده، اما آمار نشان می دهد که اکثر جوانان در همان جوامع، برای ارتباط جنسی، خود را تحت فشار می بینند.

دیدگاه شهید مطهری

- اینان (دیدگاه افراطی) میان اشباع غریزه و سرکوب نکردن آن، از یک طرف، و آزادی جنسی و رها کردن بی قید و شرط آن، از طرف دیگر، خلط کردند.
- حقیقت آن است که اگر کسی می خواهد غریزه جنسی خود را، به درستی، اشباع کند، راهی جز عفت و تقوا و پذیرش مقررات الهی ندارد.
- آنچه که لازم است و هرگز نباید از آن غفلت ورزید این است که انسان باید همه غرایز و استعدادهای خدادادی خود را پرورش دهد و هیچ کدام را نادیده نگیرد؛ اما این را هم باید بداند که حد و مرز هر غریزه ای را نگه دارد و هرگز نباید به بهانه پرورش غریزه جنسی، سایر غرایز و قوا و استعدادها ی خود را نادیده بگیرد.

اشتباه اصلی فروید:

- اشتباه اصلی فروید و فرویدیسم این بود که برای جلوگیری از سرکوبی غریزه جنسی، آزادی بی حد و حصر جنسی را پیشنهاد دادند. انسان به گونه ای آفریده شده است که در همه زمینه ها اگر شرایط مساعدی را بیابد، به هیچ حدی قانع نمی شود.

- اگر انسان در این زمینه ها مانند حیوانات، ظرفیت محدود و پایان پذیری می داشت، هرگز نیازی به مقررات سیاسی و اقتصادی و جنسی پیدا نمی کرد. از نظر اخلاقی نیز احتیاجی به اخلاق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و جنسی نداشت.

نظریه امام خمینی درباره نامحدود خواهی قوه شهویه و سیری ناپذیری آن:

- قوه شهویه در انسان طوری است که اگر زنهای یک شهر، به فرض محال، به دست او بیاید، باز متوجه زنهای شهر دیگر است.

- اگر از یک مملکت تصیّبش شد، متوجه مملکت دیگر است. همیشه آنچه ندارد می خواهد...

- هر کس منکر است مراجعه به حال خود کند و به حال اهل این عالم از قبیل سلاطین و متمولین و صاحبان قدرت و حشمت، آن وقت خود تصدیق ما را می کند.

استدلال سوم

خالق انسان، غرایز مختلف را بی جهت به او نداده است، این غرایز را برای ارضاء و اشباع در اختیار انسان قرار داده است و نه برای سرکوبی. بنابراین، ایجاد محدودیت در برابر ارضای غرایز، از جمله غریزه جنسی، خلاف هدف آفرینش است.

در پاسخ می گوئیم:

اولاً: پذیرش این استدلال، به معنای هرج و مرج کامل و اجتماعی و اخلاقی است.

ثانیاً: این سخن که خداوند غرایز را بی جهت به ما نداده است و هرگز نباید هیچ یک از آنها را نادیده گرفت، سخن درستی است؛ اما:

اولاً: غرایز انسان منحصر در غریزه جنسی نیست.

ثانیاً: ارضای همه قوا و آزادی مطلق دادن به همه آنها هرگز امکان ندارد.

- پس یا باید برخی از آنها را سرکوب کرده و به طول کلی نادیده گرفت که این خلاف حکمت و هدف آفرینش است یا باید آنها را تعدیل کرده و با ایجاد قیود و شرایطی برای هر کدام، همه آنها را به گونه ای ارضا کرد.

۲-۳- دیدگاه معتدل

- غریزه جنسی از دیدگاه اسلام، یکی از بزرگترین نعمتهای الهی و حکیمانه ترین وسیله ای است که تداوم زندگی بشر و بقای نوع انسانی را تضمین می کند.

- اسلام نه تنها میان معنویت و بهره مندی از لذات جنسی منافاتی نمی بیند؛ بلکه بهره مندی مشروع از این گزینه را شرط تکامل معنوی انسان می داند.
- پیامبر اسلام و سایر اولیای دین همواره با رهبانیت و ریاضیتهای افراطی برای مبارزه با گزینه جنسی و امثال آن مخالفت کرده و صراحتاً اعلام داشته اند که: لارهبانیه فی الاسلام.

مخالفت اسلام دیدگاه افراطی (فرویدی)

- اسلام با دیدگاه فرویدی نیز به شدت، مخالف بوده، افسار گسیختگی و بی بند و باری در مسأله جنسی را به شدت نهی کرده است.
- منطق اسلام این نیست که به صورت نامحدود و بدون هیچ قید و بندی، اجازه فعالیت به غرایز انسانی بدهد.

- اشاره به برخی از روایات در این زمینه:

- کسی که شهوتش بر او غالب شود، عقلش به او پشت می کند.
- پیروی از خواهشهای نفسانی، نتیجه ای جز هلاکت و نابودی نفس انسانی در پی ندارد.
- به تعبیر مولوی: هر که در شهوت فروشد بر نخاست.
- از شهوات سرکش بپرهیزد که شما را به ارتکاب انواع گناهان و هجوم برمعاصی می کشاند.
- شهوت پرستی، دین را به نابودی می کشاند.
- کسی که مشتاق بهشت باشد باید شهوت پرستی را فراموش کند.
- حکمت و دانش در قلبی که جای شهوت پرستی است ساکن نمی شود.
- به طور خلاصه، منطق اسلام در برابر قوا و غرایز انسانی به ویژه قوای شهوانی را می توان در این بیان حکیمانه امام خمینی مشاهده کرد: "بدان که قوه شهوت از قوای شریفه ای است که حق تعالی به حیوان و انسان مرحمت فرموده برای حفظ شخص خود و بقای آن در عالم طبیعت و برای ابقاء نوع و حفظ آن... علاوه بر آن که سعادت خود انسان وابسته به این قوه است، سعادت بنی نوع هم پیوند به این مائده آسمانی است."
- (شرح حدیث جنود عقل و جهل، امام خمینی)
- از دیدگاه اسلام، قوای شهوانی و مخصوصاً گزینه جنسی نه علت تامه شقاوت است و نه علت تامه سعادت، بلکه خوب بودن آنها، از نظر اخلاقی، بستگی به نوع رفتار ما با آنها دارد.

امام خمینی: "بدان که وهم و غضب و شهوت ممکن است از جنود رحمانی باشند و موجب سعادت خوشبختی انسان گردند، اگر آنها را تسلیم عقل سلیم و انبیاء عظیم الشأن نمایی..."

۲- عوامل شهوت پرستی و شهوت رانی

الف: ضعف در خداشناسی و سستی در ایمان به خدا و پیامبر و عدم رعایت دستورات دینی.

ب: ضعف در خودشناسی و نداشتن درکی درست از خویشستن و فرو کاستن ارزش انسانی خود تا سر حد حیوانات.

ج: ضعف در شناخت حقایق امور و عدم شناخت پیامدهای ناگوار دنیوی و اخروی شهوت پرستی و شهوت رانی.

- رهبانیت و سرکوب غریزه جنسی و آزادی بی حد و حصر در ارضای آن، از دیدگاه اسلام محکوم و منفور است.

اسلام با این دو دیدگاه افراطی و تفریطی مبارزه کرده است.

- اسلام برای ارضای غرایز جنسی مانند سایر غرایز، حدود و شرایطی را قائل شده است.

- از دیدگاه اسلام، تنها راه مشروع و مقبول ارضای غریزه جنسی ازدواج است.

۴- اهمیت ازدواج در اسلام

- بدون تردید، ازدواج، نقش تربیتی فوق العاده ای برای انسان، چه دختران و چه پسران، دارد.

- ازدواج نخستین گام برای رهایی از خود دوستی به سوی غیر دوستی است.

- با ازدواج است که نیازها و خواسته های انسان رنگ دیگر دوستی به خود می گیرد.

- ازدواج در اسلام، به عنوان یک امر مقدس و یک موضوع شرعی به حساب می آید.

۴- ۱- ارزش واسطه ازدواج شدن

- "مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید همچنین غلامان و کنیزان صالح و درست کارتان را؛ اگر فقط و تنگدشت باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد؛ خداوند گشایش دهنده و آگاه است. (نور: ۳۲)

امام علی (ع): بهترین واسطه گری ها، واسطه گری در امر ازدواج است.
 امام صادق (ع): کسی که وسایل ازدواج را برای شخصی فراهم کند، در روز قیامت مورد توجه خاص خداوند قرار می گیرد.

۴-۲- شرایط یک همسر خوب

- ازدواج، یک مسئولیت بزرگ الهی و انسانی و اجتماعی است. بنابراین باید به شدت، مراقب بود که چه کسی را به عنوان شریک زندگی خود انتخاب کنیم:
 الف: اصالت خانوادگی
 ب: تقوا و تدبیر

الف) اصالت خانوادگی

- یکی از مهم ترین شرایط همسر خوب، اصالت خانوادگی داشتن است.
- جوانان باید بدانند، دختران یا پسرانی که از یک خانواده اصیل برخوردار نیستند، چندان قابل اعتماد نمی باشند.
- پیامبر اکرم (ص)، به شدت از ازدواج با دختران زیبایی که شرافت خانوادگی ندارد، برحذر داشته و می فرماید: "ای مردم از گیاهان سبز و خرمی که در سرگین رشد کرده اند پرهیزید گفته شد: ای رسول خدا منظور از این جمله چیست؟ در پاسخ فرمودند: دختر زیبایی که در خانواده ای بد رشد کرده باشد."

ب) تقوا و تدبیر

- یکی دیگر از مهمترین شرایط یک همسر خوب، تقوا و تدبیر است.
- امام صادق (ع): اگر کسی به خاطر زیبایی یا ثروت با یک زن ازدواج کند، خداوند او را به همانها واگذار می کند؛ اما اگر معیار او در انتخاب همسرش، دین او باشد، خداوند زیبایی و ثروت را نیز به او عطا می کند.
- پیامبر اکرم (ص): کسی که دختر خود را به ازدواج شخص فاسقی در آورد، رابطه نسبی خود را با او بریده است.

۵- فضایل اخلاقی مربوط به امور جنسی

۵-۱- عفت و پاکدامنی

- عفت، عبارت است از تسلیم و انقیاد شهوت در برابر عقل.
- عفت، یعنی اعتدال در بهره مندی از شهوات.

- عقیف به کسی گفته می شود که در حد اعتدال و در چهار چوب عقل و شرع، از شهوات بهره ببرد.

عفت جنسی: یعنی کنترل کردن غریزه جنسی و محدود کردن آن در چهار چوب عقل و شرع.

امام علی (ع): هنگامی که خداوند خیر و خوبی بنده اش را بخواهد؛ در برابر غذاهای حرام عفت شکم و در برابر محرمات جنسی، عفت جنسی به او می دهد.

امام باقر (ع): هیچ عبادتی برتر از عفت شکم و عفت جنسی نیست.

امام علی (ع): عفت، رأس هر خیری است.

- شهوترانی و بی عفتی، یکی از عوامل مهم هلاکت دنیوی و اخروی انسان است.

- در طول تاریخ نمونه های فراوانی را میتوان ذکر کرد، که همین مسئله موجب نابودی آنان و خواری دنیوی و اخروی شان شده است.

- داستان برصیصای، عابد مستجاب الدعوه بنی اسرائیل، از نمونه های عبرت آموزی است که سرانجام شهوترانی را، به خوبی، نشان می دهد.

۵-۲- غیرت

- غیرت، اصطلاحاً به معنای کوشش در محافظت از چیزهایی است که محافظت از آنها لازم است.

- غیرت، یکی از شریف ترین فضایل اخلاقی است.

- غیرت، از نتایج و لوازم فضیلت شجاعت و بزرگ منشی است.

علی (ع): ثمره و میوه شجاعت، غیرت است.

- بزرگان اخلاق گفته اند: فردی که این فضیلت (غیرت) را نداشته باشد، در حقیقت، از مردان به حساب نمی آید.

امام صادق (ع): غیور یکی از اوصاف خداوند است و به سبب همین صفت و ویژگی است که فواحش و زشتیهای درونی و بیرونی را تحریفی کرده است.

- غیرت به معنای عام، ریشه در فطرت انسانی دارد. انسانف فطرتاً به گونه ای آفریده شده است که از امور مورد احترامش، مانند زن، فرزند، مقام، ثروت و امثال آن، دفاع می کند.

- اسلام اصل این حکم فطری را پذیرفته و کوشیده است تا جهت الهی به آن داده، از هوا و هوس وانگیزه های باطل و نادرست پاکش نماید.

- آیا غیرت همان حسادت است؟

- حق آن است که غیرت و حسادت، کاملاً، با یکدیگر متفاوت بوده و دو صفت کاملاً متفاوت اند.
- غیرت از فضایل اخلاقی است و حسادت از رذایل اخلاقی.
- منشأ حسادت، خودخواهی است در حالی که غیرت، ریشه در احساسات نوع دوستانه دارد.
- غیرت جنسی، نوعی پاسبانی است که آفرینش برای مشخص بودن و مختلط نشدن نسلها در وجود بشر نهاده است.
- اگر غیرت، امری فطری است، پس چرا عده ای از مردان هیچ نگرانی از سوء استفاده جنسی دیگران از همسرانشان ندارند؟
- ویژگی امور فطری این است که اگر به آنها توجه نشود، کم کم، تأثیر خود را از دست خواهند داد.
- در مواردی مشاهده می شود که غیرت از حد خودش تجاوز می کند، اگر چنین شود، تبدیل به رذیله ای اخلاقی خواهد شد.
- "کل شیء جاوز حدّه انعکس ضده". هر چیزی که از حدّ خود تجاوز نماید، به ضدش تبدیل می شود.
- غیرت ورزی بی جا و افراطی، به سوء ظن و بدگمانی نسبت به همسر کشیده می شود که پیامدهای بسیار بدی را در پی دارد.
- امام علی (ع): از غیرت نابجا بپرهیز؛ چرا که این کار درستکار را به نادرستی و پاکدامن را به بدگمانی خواهد کشاند.

۵-۳- حجاب و ترک خودآرایی در انظار عمومی

- یکی دیگر از فضایل اخلاقی در عرصه اخلاق جنسی، مسئله پوشش است.
- در حقیقت اسلام با تشریع حکم حجاب خواسته است که:
اولاً: به بهداشت روانی زنان و مردان کمک کند.
- ثانیاً: روابط خانوادگی را تحکیم کرده و از فروپاشی نظام خانوادگی جلوگیری نماید.
- ثالثاً: شخصیت زن را تأمین کرده و او را از یک شخصیت ابزاری به یک شخصیت مستقل تبدیل نماید.
- رابعاً: حریم اجتماع را از بی عفتی و آلودگیهای جنسی نگه دارد.

فصل هشتم

اخلاق سیاست (اخلاق زمامداری)

- یکی از مهم ترین ابعاد زندگی هر انسانی، زندگی سیاسی او است. هیچ کس نمی تواند، به طو کلی، خود را از سیاست و امور سیاسی جدا کند. به همین دلیل، همواره در زندگی سیاسی خود با پاره ای از پرسشها مواجه هستیم.
- پرسشهایی از قبیل:
- معیار تصمیم گیری سیاسی ما چیست؟
- آیا اخلاقاً مجاز هستیم فردی را به کار بگماریم که علی رغم تخصص بالا از تعهد کافی برخوردار نیست؟
- دولتمردان در قبال مردم جامعه خود چه الزامات اخلاقی دارند؟
- اینها بخشی از پرسشهای فراوانی است که پاسخ دادن به آنها مبتنی بر تعیین موضوع خود در باب رابطه اخلاق و سیاست است.
- اندیشمندان مختلف کوشیده اند تا به این پرسشها پاسخ دهند که اخلاق در سیاست چه نقش و جایگاهی دارد؟
- آیا قلمرو اخلاق و اخلاقیات منفک و جدای از قلمرو سیاست است؟ و ...

۲- بیان دیدگاهها

- درباره رابطه اخلاق و سیاست نظرات متعدد و متنوعی از سوی اندیشمندان سیاسی مطرح شده است:
- ۱- نظریه جدایی اخلاق از سیاست.
- ۲- نظریه اصالت سیاست و تبعیت اخلاق از سیاست
- ۳- نظریه اصالت اخلاق و تبعیت سیاست از اخلاق

۲-۱- نظریه جدایی از سیاست

- برخی از نویسندگان بر این باورند که قلمرو اخلاق، کاملاً مجزای از قلمرو سیاست است.
- اخلاق و سیاست مربوط به دو حوزه رفتاری، کاملاً متمایز هستند.
- یک رفتار می تواند با نگاه اخلاقی خوب و دارای ارزش باشد؛ اما همان رفتار ممکن است از نگاه سیاسی، هیچ ارزشی، نداشته باشد.

- براساس این دیدگاه، سیاست، امری غیر اخلاقی است، نه ضد اخلاقی.
- به عنوان مثال، فداکاری یک فضیلت اخلاقی است؛ اما در عرصه سیاست یک رذیله است.
- ماکیاولی را می توان نماینده تام و تمام این نظریه به حساب آورد. وی معتقد است که پایبندی به اخلاق در عرصه سیاست، نتیجه ای جز شکست و نابودی در پی ندارد.
- او می گوید: "هر که بخواهد در همه حال پرهیزگار باشد، در میان این همه ناپرهیزگاری، سرنوشتی جز ناکامی نخواهد داشت. از این رو، شهریاری که بخواهد شهریاری را از کف نهد، می باید شیوه های ناپرهیزگاری را بیاموزد و هر جا که نیاز باشد، به کار ببرد.
- (شهریار، نیکو لوماگیاولی، ترجمه داریوش آشوری)
- ماکیاولی می گوید: می باید بدانید که برای ستیزیدن با دیگران دو راه در پیش است:

- یکی با قانون

- دیگری با زور

- روش نخستین در خور انسان است و دومین، روش ددان و از آنجا که روش نخستین چه بسا کار آمد نیست، ناگزیر به دومین روی می باید آورد.
- برخی دیگر از طرفداران این نظریه، تقریر دیگری از نظریه جدایی اخلاق و سیاست ارائه داده اند.

- به این صورت که به دو نوع سیستم اخلاقی قائل شده اند:

الف: اخلاق فردی

ب: اخلاق سیاسی و اجتماعی

- اینان، تأکید می کنند که فضایل و رذایل مربوط به این دو سیستم، هر چند جنبه های مشترکی ممکن است داشته باشند، اما وجوه افتراق آنها از یکدیگر به اندازه ای زیاد است که این دو سیستم را، کاملاً از یکدیگر منفک می داند.
- این دو نوع سیستم اخلاقی، دارای اصول و قواعد خاص خود هستند.

نقد و بررسی

- این نظریه، با هر دو تقریر آن، ناشی از عدم درک درست اخلاق و احکام اخلاقی است.

- موضوع احکام اخلاقی، فعل اختیاری انسان است. این فعل اختیاری گاهی خود انسان است که از آن به اخلاق فردی تعبیر می شود. گاهی خداوند است که آن را اخلاق الهی نامند. گاهی جامعه و سایر انسانها هستند که با عنوان اخلاق اجتماعی از آن یاد می کنند.
- هیچ فعل اختیاری انسان، نمی تواند خارج از چهار چوبه اخلاق قرار گیرد و رفتارهای سیاسی نیز این گونه هستند.
- مشکل مدافعان تقریب دوم این نظیه این است که گزاره ها و احکام اخلاقی را در عرصه رفتارهای فردی، همواره و بدون هیچ قید و شرطی، مطلق پنداشته اند و براساس آن، دیده اند که نمی توان آن احکام مطلق اخلاقی را در عرصه سیاست به کار گرفت.
- به طور کلی، اگر نیک بنگریم؛ خواهیم دید که ملاک ارزش اخلاقی افعال اختیاری انسان، مصلحت عمومی و واقعی فرد و جامعه است.
- مصلحت، یعنی هر چیزی که موجب کمال و صلاح واقعی انسان است. بنابراین راستگویی از آن جهت که راست گویی است، موضوع حکم اخلاق نیست. بلکه از آن جهت که آدمی را به سعادت و کمال رسانده و مصلحت واقعی او و جامعه را تحقق می بخشد، خوب است.

۲-۲- نظریه اصالت سیاست و تبعیت اخلاق از سیاست

- براساس این نظریه، همه رفتارهای اخلاقی، اعم از رفتارهای فردی و اجتماعی، همچون هنر، ادبیات، علم و امثال آن، تحت سیطره و سیادت سیاست است.
- ارزشهای اخلاقی تابع مصالح سیاسی و ارزشهایی است که رهبران سیاسی معین می کنند.
- هر کاری که در خدمت تأمین منافع سیاسی جامعه یا حزب یا گروه خاصی باشد، ارزشمند بوده و فضیلت به حساب می آید.
- اخلاق و ارزشهای اخلاقی در این دیدگاه، صرفاً جنبه ابزاری دارند. یعنی، تا آنجا ارزشمند و خوب اند که ما را به اهداف سیاسی مان برسانند وگرنه هیچ ارزش ندارند.
- این نظریه، درعمل و حتی در اندیشه، مورد حمایت و تأیید بسیاری از سیاستمداران جهان از جمله، لنین یکی از رهبران مارکسیسم واقع شده است.

- نخستین اشکال این نظریه، پذیرش نسبت گرایی است.
- براساس این نظریه، نمی توان هیچ حکم اخلاقی ثابت داشت؛ اخلاق، کاملاً در خدمت سیاست است.
- یک کار ممکن است از نظر یک حزب سیاسی، خوب و از نظر گروه دیگر، کاری زشت و ناپسند باشد.
- اشکال دیگر این نظریه آن است که معنای واقعی سیاست را به درستی درک نکرده اند. اینان، در حقیقت، سیاست را نه برای وصول به سعادت حقیقی، بلکه برای اهداف شخصی و حزبی می خواهند.

۲-۳- نظریه اصالت اخلاق و تبعیت سیاست از اخلاق

- نظریه مقبول و معقول در باب رابطه اخلاق و سیاست، این است که اصالت با اخلاق و ارزشهای اخلاقی بوده و ارزشهای سیاسی نیز تابع و زیر مجموعه اخلاق هستند.
- رفتارهای سیاسی نیز، مانند سایر رفتارهای اختیاری انسان، به عنوان موضوع احکام اخلاقی، مورد ارزش گذاری قرار می گیرند.
- هدف رفتارها و تصمیم های سیاسی، در حقیقت، در راستای هدف اخلاقی بوده و چیزی خارج از آن نیست.
- هر چیزی که برای دولتمردان زشت و نکوهیده است برای افراد عادی نیز زشت و ناپسند است.
- الگوی علمی و عملی دیدگاه اصالت اخلاق و تبعیت سیاست از اخلاق در سراسر تاریخ بشریت، کسی جز امام علی (ع) نیست.
- او به خوبی نشان داد که رفتارهای سیاسی تا آنجا ارزشمندند که در چهارچوب اخلاق و ارزشهای اخلاقی باشند.
- براساس منطق اخلاقی و سیاسی امام علی (ع) هیچ کس مجاز نیست، برای حفظ قدرت خود، مرتکب کارهای خلاف شرع شود.
- از همان نخستین روز که امام علی زمام خلافت را به دست گرفت، نغمه های شوم مخالفت از گوشه و کنار برخاست.
- طلحه، زبیر، عبدالله بن عمر، سعید بن عاص، مروان بن حکم و شماری دیگر از اشراف مدینه، هنگام تقسیم بیت المال حاضر نشدند.
- آنان چگونه می توانستند بپذیرند که سهم آنان با سهم بردگان دیروزشان یکسان است؟

(الاختصاص، شیخ مفید، تحقیق علی اکبر غفاری)

- برخورد بسیار شدید امام علی (ع) با پسر عموی خود؛ والی مصر که از آشفتگیهای مرکز خلافت اسلامی سوء استفاده کرده بود و به بیت المال تعرض کرده بود، نشان دهنده این است که آن حضرت حاضر نبوده رفتار خلاف اخلاق را در حکومت و مسئولان حکومتی خود مشاهده کند.
- حضرت علی (ع) نوشتند: "از خدا بیم دار و مالهای این مردم را باز سپار، اگر چنین نکنی و خدا مرا یاری دهد تا بر تو دست یابم کیفرت دهم..."

۳- وظایف اخلاقی مردم در انتخاب مسئولان

۳-۱- رعایت تناسب میان فرد و مسئولیت مورد نظر

- حضرت یوسف زمانی که خود را برای مسئولیت خزانه داری معرفی کرد، به دو ویژگی خود که متناسب با این مسئولیت هستند، یعنی: "امانتداری و آگاهی" اشاره کرد و گفت:
- "مرا سرپرست خزاین سرزمین مصر قرارده، که نگهدارنده و آگاهم."
- یکی از مسائل مورد نظر، مسئله تناسب ویژگیها و تخصصهای آنان با پست و مسئولیت مورد نظر است.

۳-۲- توجه به سوابق کاری (تجربه)

- تجربه یکی دیگر از ویژگیهای لازم برای انتخاب مسئولان است.
- به هر اندازه ای که یک فرد از تجربه بیشتری برخوردار باشد، به همان اندازه نیز بهتر می تواند زیر مجموعه خود را کنترل و هدایت کند.
- امام علی (ع) به مالک اشتر توصیه می کند که اهل تجربه را به کار گیرد و از تجارب آنان، به خوبی، استفاده نماید.
- امام علی (ع) در کنار تجربه، مسئله حیا را متذکر می شوند.
- حاکمان و مسئولان اگر در کنار تجربه از تعهد لازم برخوردار نباشند، می توانند به ملت و اموال عمومی خیانت کنند.

۳-۲- توجه به اصالت خانوادگی

- یکی دیگر از ملاکهای انتخاب مسئولان توجه به اصالت خانوادگی افراد است.
- فردی را که برای واگذاری مسئولیتی انتخاب می کنیم باید از هر نظر، فردی شایسته باشد.
- امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر: "به کسانی نزدیک شو که گوهری نیک دارند و از خاندانی پارسایند و از سابقه ای نیکو برخوردارند."

- باید توجه داشت که به صرف اصالت خانوادگی نمی توان به یک فرد اعتماد کرد؛ و هرگز نباید نقش اختیار و آگاهی افراد را در زندگی نادیده گرفت.
- همچنین به صرف اینکه کسی از خانواده ای ناصالح و بی تقوا است، نمی توان گفت که او نیز، حتماً راه انحراف را در پیش خواهد گرفت.

۲-۴- توجه به سوابق دینی و اخلاقی

امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر می گویند:

"بدترین وزیران تو، کسی است که پیش از تو وزیر بدکاران بوده و آن که در گناهان آنان شرکت نموده. پس مبادا چنین کسان، محرم تو باشند که آنان یاوران گناهکارانند.

۲-۵- خودداری از انتخاب افراد نالایق

- یکی از مهمترین وظایف اخلاقی مردم در انتخاب مسئولان و حاکمان این است که، به منظور ادای امانت الهی، بکوشند تا داناترین، باتقواترین، و کارآمدترین افراد را انتخاب کنند.
- پیامبر اکرم (ص): کسی که فردی را در قومی، که در میان آنان بهتر از او وجود دارد، به کار گیرد، پس به خداوند خیانت کرده است.
- امام علی (ع): "سزاوار نیست بخیل، بر ناموس و جان و دارایی مسلمانان ولایت یابد و نه نادان ... و نه بی عدالت ... و نه آن که به خاطر حکم کردن، رشوه گیرد، تا حقوق را پایمال کند.

۲-۶- مشورت و رایزنی

- از آنجا که همه افراد از تخصص و آگاهی لازم برای شناخت مدیران و مسئولان لایق برای مناصب حکومتی برخوردار نیستند، عاقلانه ترین راه، مشورت با صاحب نظران، و آگاهان دلسوز است.
- مشورت با دیگران هر چند صد در صد حقیقت و واقعیت را برای ما نشان ندهند؛ اما:

اولاً: ضریب خطا را به شدت کاهش می دهد.

ثانیاً: در صورت مشورت با افراد با صلاحیت، وظیفه خودمان را انجام داده ایم.

امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر: "با بخیل مشورت مکن که تو را از نیکوکاری باز می گرداند و همچنین با ترسو زیرا در کارها تو را سست می کند..."

۴- وظایف اخلاقی حاکمان در قبال مردم**۴-۱- محبت و مدارا**

- ماکیاولی درباره نوع رابطه حاکم با مردم، می گوید:
"آیا بهتر آن است که بیش دوستان بدانند تا ازما بترسند تا دوستان بدانند؟ پاسخ این است که هر دو: یعنی هم بترسند و هم دوست بدانند؛ اما از آنجا که داشتن این دو با هم دشوار است، اگر قرار باشد که یکی از آن دو را انتخاب کنیم، باید گفت همان به که بیش بترسند تا دوست بدانند."
- در مقابل، در نظام اسلامی، این رابطه، کاملاً برعکس است؛ حاکمان و مدیران باید به مردم به عنوان ولی نعمت خود نگاه کنند.
"فبما رحمه من الله لنت لهم ولو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك." (آل عمران: ۱۵۹)
- علی (ع) خطاب به محمد بن ابی بکر والی مصر:
"و برابر رعیت فروتن باش، و آنان را با گشاده رویی و نرمخویی بپذیر، و با همگان یکسان رفتار کن..."
- امام علی (ع): "رأس السیاسة استعمال الرفق؛ رأس سیاست به کارگیری مدارا است."
- هر چند رفیق و مدارا یکی را از اصول اخلاقی بسیار مهم در سیاست است؛ اما اگر افرادی بخواهند از این برخورد، سوء استفاده کنند باید با واکنش مسئولان مواجه شوند.
(مراجعه شود به اخلاق در اداره، حسین مظاهری)

۴-۲- برخورد صادقانه با مردم

- حاکمان باید برخوردی صادقانه با مردم داشته باشند. مشکلات و موانع را با آنان در میان گذارند. ناتوانیها و کوتاهیهای خود را صادقانه بپذیرند.
- برخورد صادقانه چیست؟
- برخورد صادقانه با مردم یعنی آنکه جز در موارد استثنایی، مردم را محرم اسرار خود بداند.
- برخورد صادقانه با مردم یعنی اینکه اگر یک مدیر خود را در اجرای مسئولیتش ناتوان می یابد، بی درنگ استعفا دهد و از اعتماد مردم سوء استفاده ننماید.

۴-۳- فاصله نگرفتن از مردم

- بهترین راه ارتباطی حاکمان و مدیران با مردم، دیدار حضوری و چهره به چهره است.
- با فاصله گرفتن از مردم، هرگز نمی توان درد واقعی و مشکل حقیقی آنان را تشخیص داد.
- یکی از مهم ترین عوامل فروپاشی و انحطاط نظام های استبدادی همین مسئله بوده است.
- امام علی (ع) در نامه ای به والی مکه چنین توصیه می کند که: " بامداد و شامگاه برای آنان مجلس ساز. آن را که فتوا خواهد فتوا ده و نادان را بیاموز و با دانا به گفتگو پرداز..."

۴-۴- رعایت عدالت

- یکی از مهم ترین وظایف اخلاقی حاکمان در قبال مردم، عدالت ورزی است.
- امام علی (ع):
- کسی که عدالت بورزد، حکمش نافذ می شود.
- عدالت بورز تا قدرت و حکومت تداوم یابد.
- زمانی که حکومت بر پایه عدل و عقل استوار شده باشد، خداوند دوستداران آن را یاری و دشمنانش را خواری رساند.
- آن حضرت، در نامه ای به یکی از والیانش، چنین دستور می دهد: "و برابر رعیت فروتن باش، و آنان را با گشاده رویی و نرم خویی بپذیر، و با همگان یکسان رفتار کن..."

۴-۵- ساده زیستی

- امام علی (ع) در نامه ای به عثمان بن حنیف انصاری؛ والی بصره می نویسد: "بدان که پیشوای شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده، بسنده کرده است، و دو قرص نان را خوردنی خویش نموده..."
- امام خمینی: "مردان بزرگ که خدمت های بزرگ برای ملت های خود کرده اند، اکثر ساده زیست و بی علاقه به زخارف دنیا بوده اند."

۴-۶- آموزش های دینی

- برخی، چنین پنداشته اند که: "حکومتها کاری و وظیفه ای بیش از رسیدگی به حاجات اولیه مردم ندارند و نباید داشته باشند."

- امام علی (ع) یکی از حقوق مردم بر امام و حاکم اسلامی را حق تعلیم و تربیت دینی آنان داشته اند و می فرمایند:
- "مردم! مرا بر شما حقی است، و شما را بر من حقی. بر من است که خیرخواهی از شما دریغ ندارم. و حقی را که از بیت المال دارید، بگزارم، شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید، و آداب آموزم تا بدانید."
- امام علی (ع): "علی الامام ان یعلّم اهل ولايته حدود الاسلام و الايمان."
- امام و حاکم اسلامی موظف است معارف اسلامی و ایمانی را افراد تحت حکومتش آموزش دهد.

۵- وظایف اخلاقی مردم در قبال حاکمان

۵-۱- همراهی

- امام علی (ع): "و اما حَقّی علیکم ... الاجابه حين ادعوکم و الطاعه حين آمرکم."
- اما حق من بر شما این اسکه ... چون شما را بخوانم بیاوید و چون فرمان دهم بپذیرید.
- حاکمان و مسئولان جامعه، زمانی می توانند به اهداف خود، اعم از اهداف مادی و معنوی، دست یابند، که احکام و دستورات آنان و قوانین مورد تأییدشان، از سوی مردم، پیروی شود.
- به تعبیر امیر مؤمنان علی (ع): "لأرای لمن لایطاع" کسی که از او اطاعت و پیروی نکنند، گویا اصلاً اندیشه و طرح و برنامه ای ندارد.
- امام علی (ع): "لاطاعه لمخلوق فی معصیه الخالق" آفریده را فرمان بردن نشاید آنجا که نافرمانی آفریننده لازم آید.

۵-۲- امر به معروف و نهی از منکر

- یکی از مهمترین وظایف دینی و اخلاقی مردم در قبال مسئولان، امر و ارشاد آنان به خوبیها و نهی از آنان از ارتکاب بدیها است.
- این وظیفه، در صد خطا و اشتباه و یا انحراف مسئولان جامعه را پایین می آورد.
- هیچ فردی از این حکم، مستثنی نیست. حتی شخص اول نظام اسلامی، اگر اشتباهی مرتکب شود، باید با رعایت ضوابط، اشتباه او را به وی تذکر داد.
- از طرفی، به مسئولان و حاکمان و مدیران اسلامی نیز توصیه اکید شده است که نه تنها از امر به معروف و نهی از منکر زیردستان خود و مردم عادی ناراحت نشوند، بلکه منتقدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر را عزیز بدانند.

۶- لغزشهای اخلاقی مدیران**۶-۱- ریاست طلبی**

- یکی از بدترین و زیانبارترین آفات حکومت و سیاست، ریاست طلبی است. پیامبر اکرم (ص): "کسی که دوست دارد مردم را در مقابل خود ایستاده ببیند، جایگاه او آتش جهنم است."
- امام علی (ع): "ما اری شیئاً بقلوب الرجال من خفق النعال و راء ظهورهم." من چیزی زیانبارتر برای حال قلب از صدای کفش در پشت سر انسان ندیدم.

۶-۲- تکبر

- یکی دیگر از صفات ناپسند اخلاقی، که احتمال نفوذ آن در مسئولان و حاکمان زیاد است، تکبر و غرور می باشد.
- امام علی (ع): "آفة الرئاسة الفجر" آفت ریاست، فخر است.
- انسانهای شریف و با ظرفیت، هرگز فریفته پست و مقام دنیوی نشده و به سبب آن، مبتلا به آفت تکبر و خودخواهی نخواهند شد.

راه مبارزه با آفات تکبر

- اولاً: عظمت و کبریایی خداوند رادر نظر داشته باشیم.
- ثانیاً: حکومت و ریاست، زودگذر است.
- امام علی (ع): "الدولة کما تقبل، تدبر" حکومت همچنانچه به انسان روی می آورد، به او نیز پشت می کند.
- ثانیاً: حکومت و ریاست بر ارزشهای فردی انسان مسئولیت سنگین تر، نمی افزاید.
- رابعاً: باید به کمبودها و ناتوانیهای خود بیشتر توجه کرد.
- امام علی (ع): "ما لابن آدم و الفخر اوله نطفه و آخره جیفة و لایرزق نفسه و لایدفع حتفه"
- پسر آدم را با ناز چه کار که آغازش نطفه بوده است و پایانش مردار. نه روزی خود دادن تواند و نه تواند مرگش را باز راند.

۶-۳- خود رأی و استبداد در تصمیم گیری

- یکی دیگر از لغزشهای مدیران و حاکمان، استبداد در تصمیم گیری است.
- امام علی (ع) مشورت با دیگران را به منزله مشارکت در عقول و اندیشه های آنان می داند.

آن حضرت در نامه به مالک اشتر، به او توصیه می کنند: "با اندیشمندان فراوان گفتگو کن و با حکیمان فراوان سخن در میان نه"
 "فبما رحمه من الله لنت لهم ولو كنت فظاً غليظ القلب لا تنفضوا من حولك فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم في الامر فاذا فتوكل على الله ان الله يحب المتوكلين"
 (آل عمران: ۱۵۹)

- این آیه، حاوی نکات بسیار ارزشمندی است.
- نخست آن که، افرادی که با دیگران به مشورت می پردازند، افرادی نرمخو و قابل انعطاف هستند.
- نکته دوم این است که طرف مشورت ما لزوماً نباید افرادی برتر از خود ما باشند.
- هدف و فلسفه مشورت تنها استفاده از دانش و راهنمایی دیگران نیست، بلکه منافع و سودمندیهای دیگری نیز در پی دارد.
- مشورت با مردم موجب:
 - شخصیت دادن به آنان
 - تقویت روحیه همکاری
 - ایجاد انگیزه فعالیت
 - تقسیم قدرت و مسئولیت با مردم می شود.

فصل نهم

"اخلاق گفتگو"

۱- اهمیت گفتگو

- "پس بشارت ده به آن بندگان من که: به سخن گوش فرا می دهند و بهترین آن را پیروی می کنند؛ اینان اند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان." (زمره: ۱۷ و ۱۸)
- درباره اهمیت گفتگو به سوره های: فصلت: ۲۵-۳۳ و نحل: ۱۲۵ مراجعه شود.
- اهمیت گفتگو بر کسی پوشیده نیست. براساس نص آیات قرآن کریم، خداوند برای آفرینش انسان با ملائکه به گفتگو پرداخت.
- خداوند، پس از سرپیچی ابلیس از دستور الهی مبنی بر سجده بر آدم، با ابلیس نیز گفتگو کرد.
- خداوند، پس از هیوط آدم بر روی زمین نیز همواره، مستقیم و غیر مستقیم، با آدمیان گفتگو داشته است.
- امام علی (ع) می فرماید:
- "و همواره خدا را که بخششهای او بی شمار است و نعمتهایش بسیار در پاره ای از روزگار پس از پاره ای دیگر، و در زمانی میان آمدن دو پیامبر، بندگان است که از راه اندیشه با آنان در راز است و از طریق خرد دمساز."

- انواع گفتگو:

- الف: گفتگوی تبلیغی، ارشادی
- ب: گفتگوی تعلیمی، آموزشی
- ج: گفتگوی اقناعی، احساسی
- گفتگوی خداوند با فرشتگان و آدمیان را می توان از نوع گفتگوهای ارشادی، تعلیمی و هدایت گرانه دانست.
- اخلاق گفتگو و آداب مناظره و جدل از روزگاران دور، همواره، مورد توجه اندیشمندان مختلف بوده است.

۲- هدف گفتگو

- ارزشمندی گفتگو به عنوان فعلی از افعال اختیاری انسان، منوط به انگیزه فرد از انجام آن است والا خود گفتگو، فی نفسه، نه دارای ارزش اخلاقی مثبت است و نه ارزش اخلاقی منفی
- باید دید که هدف فرد از ورود به عرصه گفتگو با دیگران و انجام مناظره چیست.

۲-۱- انگیزه های مثبت

(الف) حق خواهی

- گاهی برای یک فرد، حقیقت و واقعیت مسئله ای روشن نشده است و با گفتگو و مباحثه با دیگران به دنبال فهم حقیقت است.
- بدون تردید، یکی از فواید مهم گفتگو، این است که بهتر می توان حقیقت را شناخت.

امام علی (ع): "اضربوا بعض الرأی ببعض یتولّد منه الصواب".
اندیشه ها را با یکدیگر رو در رو کنید تا اندیشه درست از آنها پدید آید.

(ب) روشنگری

- یکی دیگر از مهم ترین و ارزشمندترین اهداف گفتگو، روشنفکری و هدایت و راهنمایی دیگران است.

۲-۲- انگیزه های منفی

- گاهی هدف از گفتگو، صرفاً، غلبه بر طرف مقابل و به کرسی نشاندن سخن باطل و نادرست و غیر مستدل خود است.
- انسان با اینکه وجداناً می داند سخن یا ادعای او باطل و نادرست است، اما باز هم بر آن پافشاری می کند و کار را به جدال و مرأء می کشاند، که یکی از بزرگترین و خطرناکترین رذایل اخلاقی است.
- هدف چنین کسانی از گفتگو صرفاً به کرسی نشاندن سخن خود است.
- بدیهی است مناظره هایی که چنین اهدافی را دنبال می کنند، علاوه بر ائتلاف وقت، سبب تقویت خوی تعصب، خودخواهی و خود محوری و خودنمایی انسان می شوند.

۳- آداب اخلاقی گفتگو**۳-۱- تأکید بر نکات مشترک**

- دو فرد یا دو گروه زمانی می توانند به گفتگو بپردازند که مشترکاتی با یکدیگر داشته باشند و آلا اگر بر سر هیچ مسئله ای با یکدیگر توافق نداشته باشند، هرگز امکان برقراری گفتگو میان آنان نخواهد بود.
- کسانی که آمادگی انجام گفتگو با یکدیگر را دارند، هر چند درباره ای از مسائل، مثل مسئله مورد گفتگو، ممکن است با یکدیگر اختلاف داشته باشند اما دارای مشترکاتی نیز هستند.

"قل يا اهل الكتاب تعالوا الى كلمة سواء بيننا و بينكنم اَلَّا نعبد اِلَّا الله ولا نشرك به شيئاً ولايتخذ بعضاً بعضاً ارباباً من دون الله فان تولّوا فقولوا اشهدوا باَنّا مسلمون." (آل عمران: ۶۴)

۲-۲- فهم موضوع گفتگو

- بدون شک، گفتگو در خلأ صورت نمی گیرد، بلکه حتماً درباره مسئله و موضوع خاصی رخ می دهد.
- یکی از ابتدایی ترین شرایط گفتگو این است که طرفین گفتگو نسبت به موضوع بحث و همه ابعاد و جوانب آن آگاهی کافی داشته باشد.
- (مراجعه شود به آیه ۶۶ سوره آل عمران)
- مشت بر هم می زدند از ابله‌ی پر بدند از چهل و از دانش تهی
- معلوم است که مشاجره و گفتگو بدون فهم موضوع، هرگز به فرجام نیکو و خوشایندی نخواهد رسید.

۲-۳- صراحت

- یکای دیگر از آداب اخلاقی گفتگو، صراحت بیان و پرهیز از تکلف و تعارف در گفتار و دوری کردن از به کار بردن سخنان کنایه آمیز و چند پهلو و مبهم است.
- مخصوصاً در مواردی که پای مصالح اساسی انسان و اجتماع در میان باشد، ناگزیر باید با صراحت سخن گفت تا از تفسیرها و تحلیل های دلخواهانه و نادرست، که منطبق بر منافع گروهی یا شخصی است، جلوگیری شود.
- علی (ع) پیش از آغاز جنگ نهروان، زمانی که ابن عباس را برای گفتگو با خوارج اعزام می کرد به او توصیه کرد که: "به قرآن بر آنان حجت میاور، که قرآن تاب معنی های گوناگون دارد. تو چیزی - از آیه ای- می گویی و خصم تو چیزی از آیه دیگر- لیکن به سنت با آنان گفتگو کن، که ایشان را راهی نبود جز پذیرش آن.

۲-۴- توجه به گفته و نه گوینده

- یکی از آداب اخلاقی گفتگو، که رعایت آن موجب می شود تا گفتگو از مسیر درست خارج نشود، این است که طرفین در طول بحث خود همواره باید به بررسی ادله یکدیگر پردازند و هرگز نباید اجازه دهند که مسائل حاشیه ای چون انگیزه خوانی و بیان اهداف و نیات سوء طرف مقابل و مانند آن، در روند گفتگو اخلاص ایجاد نماید.
- ادب گفتگو اقتضا می کند که گفته و انگیزته مورد بررسی و قضاوت قرار گیرد

- از دیدگاه اسلام باید به سنجش و ارزیابی سخن پرداخت و نه سخنران؛ و به بررسی صحت و سقم گفته توجه نمود و نه گوینده.
- امام علی (ع): حکمت گمشده حکیم است؛ پس در هر جا که باشد، آن را طلب می کند.
- حضرت عیسی، حق را از اهل باطل بگیرد اما باطل را از اهل حق نگیرد؛ ناقدان سخن باشید.

۲-۵- استدلال طلبی و حق محوری

- یکی دیگر از شرایط تحقق گفتگوی سازنده و سودمند، این است که طرفین گفتگو حقیقتاً بنای بر پیروی از واقعیت و حقیقت براساس مستندات معقول و مقبول داشته باشند.
- هیچ یک از طرفین نباید، به هر قیمتی، در صدد اثبات سخن خود باشد، بلکه هر دو طرف باید بنابر پذیرش حق و سخنان مستدل بگذارند، و هرگاه هر کدام از آنان متوجه اشتباه خود شد صادقانه به اشتباهش اعتراف نماید.
- قرآن کریم در آیات متعددی، بر این حقیقت تأکید کرده است که در هر گفتگویی همواره باید دانش و پیروی از دانش، به عنوان مسئله ای بنیادین و محوری مورد توجه قرار گیرد.
- مراجعه شود به سوره های غافر/ ۳۵ و غافر/ ۵۶ و انبیا/ ۲۴ و اسراء/ ۳۶.

۲-۶- ملایمت

- یکی دیگر از نکات مهم و تأثیر گذار، که همواره در هر گفتگوی حق طلبانه ای باید مورد توجه قرار گیرد، ملایمت و نرمی در گفتار و کردار است.
- کسی که دارای سخن و مدعایی منطقی و مستدل است؛ حاجتی به جارو جنجال و خشونت و تندی ندارد.
- علی (ع): "شدّت خشم، سخن گفتن را دگرگون کرده، قدرت استدلال را بریده و فهم و درک را پراکنده می سازد.
- به نظر می رسد که برای جذب عقلا و دلها به سوی پذیرش حق، هیچ وسیله ای کارا تر از ملایمت و نرمی نیست.
- خداوند خطاب به حضرت موسی و هارون می گوید که با فرعون با ملایمت و نرمی سخن بگویید:
- "فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى." (طه: ۴۴)
- با او سخنی نرم بگویید، شاید که پند پذیرد یا بترسد.
- خداوند خطاب به پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

"فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظاً غليظ القلب لا نفصوا من حولك." (آل عمران: ۱۵۹)

پس به رحمت الهی با آنان نرم خوشدی، و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند.

۴- آفات گفتگو

- در حقیقت، کم توجهی به آداب اخلاقی گفتگو و یا عدم مراعات هر یک از آنها می تواند به روند سالم گفتگو آسیب برساند.
- کسی که علی رغم وجود دلایل قوی علیه دیدگاهش، همچنان لجوجانه بر آن اصرار می ورزد، هرگز نمی توان جان و دل او را با حقایق آشنا کرد.
- خلق مست آرزوبند و هوا زان پذیراند کذب و حيله را
- هر که خود را از هوا خود باز کرد جان خود را آشنای راز کرد
- در این قسمت، قصد آن داریم که درباره دو آفت اخلاقی بزرگ که می توانند روند گفتگو را به کل مختل نماید، توضیحات بیشتری ارائه دهیم:

۴-۱- شخصیت زدگی

- یکی از آفات و آسیبهای اخلاقی گفتگو، این است که به جای ذکر دلیل و بیان استدلال برای نظر خود، شخصیت پیشینیان را محور قرار دهیم. و به جای برخورد منطقی با استدلالهای طرف مقابل، به تقلید کورکورانه از گذشتگان و سنت جاهلانه آنان پردازیم.
- در قرآن کریم آیات متعددی در نهی از شخصیت زدگی و تقلید علمی کورکورانه از پیشینیان وارد شده است.
- مراجعه شود به سوره های: بقره ۱۷۰ و شعرا: ۱۳۸-۱۳۶ و زخرف: ۲۴-۲۲
- امام علی (ع) به حارث بن حوط که در جنگ جمل دچار سرگشتگی شده بود و از صحت جنگ با طلحه، زبیر و عایشه، سؤال می کرد، فرمودند:
- "حارث! کوتاه بینانه نگرستی نه عمیق وزیرکانه و سرگردان ماندی، تو حق را نشناختی تا بدانی اهل حق چه کسانی هستند و نه باطل را تا بدانی پیروان آن چه مردمانی هستند.

۴-۲- مرء یا جدالگری

- یکی دیگر از بدترین مخرب ترین آفتهای گفتگو، جدال و مرء است.
- جدال و مرء عبارت است از: پیکار لفظی و ستیزه در کلام جهت چیره شدن بر طرف مقابل و ساکت کردن او.

- کسی که دارای روحیه مرء و جدال است، همواره در پی به کرسی نشاندن سخن خود است، ولو این که باطل بودن آن برای او آشکار شود.
- پیامبر اکرم (ص): "لایستکمل عبد حقیقة الایمان حتی یدع المرء و ان کان محققاً"
- هیچ کسی به کمال حقیقت ایمان نمی رسد مگر این که از مرء خودداری کند، حتی اگر حق با او باشد.
- امام علی (ع): "از مرء و دشمنی در گفتار بپرهیزید چرا که این دو، دلها را نسبت به برادران بیمار می کند و دورویی و نفاق بر روی آنها می روید.
- امام صادق (ع): مرء از چهار حالت بیرون نیست:
- ۱- درباره موضوعی که هر دو طرف حقیقت آن را می دانند ⇨ پیامد آن رسوایی و ضایع شدن طرفین است.
 - ۲- درباره موضوعی که هیچ یک از طرفین آن را نمی دانند ⇨ پیامد آن، اخبار از چهل و نادانی خود داده اند.
 - ۳- درباره موضوعی که فقط یک طرف گفتگو حقیقت آن را می داند.
- که در این صورت، کسی که حقیقت موضوع را می داند و در عین حال به مرء با فردی که نسبت به موضوع، جاهل است می پردازد، با بر ملا کردن خطاهای علمی و اخلاقی طرف مقابل به او ظلم کرده است و کسی که علی رغم جهلش نسبت به حقیقت موضوع به مرء با عامل به آن موضوع می پردازد، خبر از حق ناشناسی و حرمت شکنی خود نسبت به علم و عالم داده است.